

امام و نقش آن در جامعه



مؤلفان

امین الدین "سعیدی- سعید افغانی"
و داکتر صلاح الدین "سعیدی- سعید افغانی"

امام و نقش آن در جامعه

تتبع، نگارش و نوشته از:
امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

امام و نقش آن در جامعه

بسم الله الرحمن الرحيم

امام و نقش آن در جامعه

تعریف امام :

امام کلمه عربی و به معنای پیشوا و رهبر آمده است . پیشوا به معنای پیشرو میباشد . امام میتواند شخصی عادل باشد و هكذا میتواند شخصی غیر عادل و گمراه باشد . طوریکه قرآن عظیم الشان هر دو مفهوم را در آیات متبرکه بیان نموده است:

قرآن عظیم الشان میفرماید: « و جعلنا هم ائمة یهدون بامرنا » (سوره : انبیاء آیه : 73)
(ما آنها را پیشوایان هادی به امر خودمان قرار دادیم)

همچنان در جای دیگر میفرماید : « ائمة یدعون الی النار » (سوره قصص آیه 41)
(پیشوایانی که مردم را به سوی آتش می خوانند)

سعدالدین تفتازانی و میرسید شریف جرجانی و سیف الدین آمدی گفته اند : « الامامة رئاسة عامة لشخص من الاشخاص - امامت ریاست عمومی است برای شخصی از اشخاص » (شرح المقاصد ، جلد 5 ، صفحه 234 - شرح مواقف ، جلد 8 ، صفحه 345 - ابکار الافکار ، جلد 3 ، صفحه 416).

قاضی عضالدین ایجی گفته است:

«الامامة خلافة الرسول في اقامة الدين بحيث يجب اتّباعه على كافة الأمة» (امامت خلافت (جانشینی) رسول است در اقامه ی دین ، به گونه ای که واجب است تبعیت از او برای همه ی امت» (شرح مواقف ، جلد 8 ، صفحه 345)

سیف الدین آمدی در تعریف دیگری گفته است:

«انّ الامامة عبارة عن خلافة شخص من الاشخاص للرسول في اقامة الشرع و حفظ حوزة الملّة على وجه يجب اتّباعه على كافة الأمة - همانا امامت عبارت است از خلافت شخصی از اشخاص برای رسول در اقامه شرع و حفظ حوزة ملّة (دین) به نحوی که تبعیت از او واجب می شود بر همه ی امت.» (ابکار الافکار ، جلد 3 ، صفحه 416)

ابن خلدون در تعریف امام میفرماید:

«الامامة خلافة عن صاحب الشرع في حراسة الدين و سياسة الدّنيا.» امامت خلافت (جانشینی) صاحب شریعت است در حراست از دین و سیاست و مدیریت دنیا.» (مقدمه ابن خلدون)

در بدو اسلام بعد از اینکه اساس حکومت اسلامی بنیاد یافت کسیکه بحیث امام مسلمین تعیین میگردد همین شخص هم بحیث امیر محسوب میشود و هم بحیث امام نماز (ملا امام و خطیب مسجد) و هم مسؤل امور قضایی و به اصطلاح قاضی که امور قضایی را در زیاتری از موارد پیش می برد.

اما به مرور زمان و تدریج با وسعت گرفتن امور اسلامی و جامعه اسلامی این وظایف ، از هم جدا میشود و برای هر یک از این بخش ها شخص مستقل تعیین و توظیف میگردد . اصطلاح امام اکبر برکسی اطلاق میشود که همان مفهوم اولی مسأله را دربر میگیرد . درین میان بحث قاضی نیز مطرح است .

امام و نقش آن در جامعه

در قرآن عظیم الشان سه نفر با عنوان امام یاد شده است که آن سه نفر عبارتند از (حضرت ابراهیم، حضرت اسحاق و حضرت یعقوب) ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (سوره بقره-آیه ۱۲۴) ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ (سوره انبیاء-آیه ۷۳)

ولی بصورت کل کلمه «امام» دوازده بار در قرآن عظیم الشان مورد استفاده قرار گرفته است که مفسرین مینویسند که هفت بار آن به صورت مفرد آمده و پنج بار به شکل جمع آمده است که از جمله بشرح ذیل است:

- «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمردیم.) (سوره یس: 12)

- «وَ إِنَّهُمَا لِيَمَامٍ مُّبِينٍ» (و آن دو (شهر، اکنون) بر سر راهی آشکار است.) (سوره حجر 79)

- «وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً» (پیش از وی (نیز) کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است.) (سوره احقاف: 12) و (سوره هود: 17)

- «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم.) (سوره بقره 124)

- «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند.) (سوره انبیاء: 73، سوره فرقان: 74، سوره قصص: 50 و سوره سجده 24)

- «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (پس با پیشوایان کفر بجنگید.) (سوره توبه 12 و سوره قصص: 41)

- «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایان فرا میخوانیم) (سوره اسراء: 71)

خواننده محترم!

بحث ما درین تحقیق و تتبع مسایل مربوط به امامت نماز است که کوشش خواهیم کرد که بحث اساسی خویش را به این مفاهیم متمرکز سازیم.

انتخاب امام:

امامت بصورت عموم و بخصوص انتخاب امام امامت در نماز در دین مقدس اسلام و مجتمع اسلامی یکی از مقام بس بزرگی و پر مسؤولیت و سترگی بشمار میرود، و به اصطلاح امام جانشین و قائم مقام پیامبر صلی الله علیه وسلم میباشد.

امامت مسجد و امامت نماز به شخصی باید تفویض گردد که از هر نگاه نسبت به همهء نماز گزاران شخص برتر، بهتر، عالم، با تقوا، ایثارگر، فداکار و محبوبتر بوده بینش، حکمت و بصیریت اش در مسایل دینی و شرعی نسبت به سایر نماز گزارانی که در آن مسجد نماز میخوانند بیشتر باشد.

اگر چند نفر با هم بودند و مسجد از آنها دور بود، باید با هم نماز خود را بصورت جماعت بخوانند، از ابوالدرداء روایت است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و

امام و نقش آن در جامعه

سلم شنیدم که می فرمود: « ما من ثلاثة في قرية ولا بدو لا تقام فيهم الصلاة إلا قد استحوذ عليهم الشيطان فإنا ما يأكل الذئب من الغنم القاصية » (هرگاه در یک قریه و یا هم سفر، صحرا و بیابان، گروهی (مذکر) به سه نفر رسیدند و نماز جماعت را، برقرار نکردند بی گمان شیطان بر آنها، چیره می شود. پس نماز جماعت را پپای دارید و بر ادای آن مواظبت کنید و به جماعت پیوندید و تک روی نکنید، چه بی گمان گرگ آن گوسفندی را می خورد که از گله جدا و دور مانده باشد). (ابوداود با اسناد «حسن» آن را روایت کرده است. بنابراین بر طبق امر و هدایت پیامبر صلی الله علیه وسلم اگر حداقل سه نفر با هم یکجا جمع بودند، لازمست نماز خود را بصورت جماعت اداء نمایند نه آنکه هرکس خود به تنهایی نمازش را بخواند و برود، تا شیطان بر آنها چیره نشود و مشمول این حدیث نگردد.

اوصاف لازمه امام :

در مورد اینکه امام داری چه اوصافی باشد، بهتر حدیثی که از ابومسعود انصاری روایت گردیده است استناد نمایم: « یوم القوم أقرهم لكتاب الله، فإن كانوا في القراءة سواء فأعلمهم بالسنة، فإن كانوا في السنة سواء فأقدمهم هجرة، فإن كانوا في الهجرة سواء فأقدمهم سلما و لا يؤمن الرجل الرجل في سلطانه، و لا يقعد في بيته على تكرمته إلا بإذنه » (مردم را قاری ترینشان به کتاب الله امامت کند، اگر در قرائت مساوی بودند آگاهترین آنها به سنت، اگر در سنت مساوی بودند کسی که در هجرت مقدم است، اگر در هجرت مساوی بودند کسی که زودتر اسلام آورده است، و هیچ کس به جای صاحب خانه (یا امام مسجد) امامت نکند و در جای مخصوص او ننشیند مگر به اجازه ی او). (مسلم (673) در روایت دیگری آمده: «اگر در هجرت با هم مساوی بودند مسن ترین آنها امامت کند». و این روایت مسلم است.

از فحوای این حدیث بوضاحت تام معلوم میگردد که : صاحب خانه و امام دائم و مانند اینها از دیگران به امامت شایسته تراند، مگر اینکه خودشان (صاحب خانه و امام دائم) اجازه دهند به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : (ولا يؤمن الرجل الرجل في سلطانه...).

بنابر این یک نفر امام داری اوصاف و فضیلت های ذیل باشد :

- 1- هرکس که قرائتش از بقیه بهتر بود و بخصوص توانایی بهتری در قرائت فاتحه داشت، او امامت کند.
- 2- اگر دو یا چند نفر بودند که قرائتشان خوب بود، پس در بین آنها کسی امامت کند که علم شرعی بیشتری داشته باشد.
- 3- اگر دو یا چند نفر وجود داشتند که هم قرائتشان و هم آگاهی و فهم دینیشان مساوی بود، کسی برای امامت پیش کشیده شود که اهل تقوا بیشتر است، و لازمست بقیه به او پیشنهاد امامت دهند زیرا کسی که اهل تقوا باشد، ادعای تقوا نمی کند.
- 4- اگر همه افراد این خصوصیات فوق الذکر را داشتند، کسی که از همه مسن تر است امامت نماید.

امام و نقش آن در جامعه

و اگر افرادی در منزل کسی مهمان بودند، طوریکه فوقاً در حدیث بیان گردید ، اولویت در امامت به صاحب خانه یا میزبان داده شود ، مگر آنکه او به بقیه اجازه ی امامت دهد. اگر هیچکدام از افراد قرائت خوبی نداشتند، پس به ترتیب بقیه موارد دیگر اولویت را تعیین می کند، مثلاً کسی که آگاهی شرعی بیشتری دارد او امام شود.

اگر هیچکس از بین آنها نه قرائت خوب و نه علم شرعی داشت، پس آنکسی که اهل تقواست امامت نماید.

اگر هیچکدام نه قرائت خوب و نه علم شرعی و نه تقوای زیادی نداشتند، پس مسن ترین آنها امامت نمایند.

مهم اینست که نماز جماعت نباید به هیچ عنوان وبه هیچ بهانه ای ترک گردد ، ونباید در اقامه نماز جماعت استدلال اضافی را بوجود آورد .

خواننده محترم !

طوریکه می فهمید : برای امامت کدام تدبیر و اجراءات فوق العاده و اضافی بکار نیست ، و ترتیب نماز جماعت ، بمانند بجا آوردن نماز عادی است، منتها شخصیکه مسؤلیت امامت را بدوش میگیرد در قلب نیت امامت را بعمل می آورد و تکبیرات انتقال را با صدای بلند می خواند و اگر نماز جهری بود، فاتحه و سوره ی بعد آنرا در دو رکعت اول با صدای بلند و جهر می خواند تا بقیه بشنوند و هنگامی که از رکوع برخوردار است « سمع الله لمن حمده » را با صدای بلند می خواند، و مقتدیان (ربنا لک الحمد ، را خفیه میگویند) و برای امامت همین قدر کفایت تا امامت او مفید واقع شود.

شرایط امامت:

فقهاء در مورد شرایط امامت جماعت مینویسند: امام باید مسلمان باشد این بدین معنی است اگر امام جماعت مسلمان نباشد ، نمازش باطل بوده و بالای مقتدی است تا نمازش را اعاده کند.

امام باید عاقل و بالغ باشد:

امام باید عاقل باشد این بدین معنی است امام دیوانه درست نیست. مرد (برای اقامت مرد ها) و هکذا امام از هرگونه عذر شرعی سالم و میرا باشد. همچنین بدن وی از نجاسات پاک بوده و زبان وی نیز از هرگونه عیوبی سالم باشد. همچنان امام از اعدا مثل سلسل البول ، خون بینی ، اسهال دائمی و امثال آن سالم باشد.

تبصره حکمی:

طوریکه که قبلاً تذکر دادیم که امامت در شرع اسلامی ، مقامی بس سترگ و عظیمی است ، بناً در احادیثی متعددی وظایف امام توضیح و تشریح گردیده است که از جمله میتوان به حدیثی ذیل اشاره نمود. « شخصی میتواند وظایف امام را عهده دار گردد که : نسبت به سایرین به کتاب الله قاری تر باشد، اگر در قرائت مساوی بودند آگاهترین و عالم ترین آنها در احکام شرعی و به سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد، اگر در سنت مساوی بودند کسی که در هجرت مقدم است ، اگر در هجرت مساوی بودند کسی که

امام و نقش آن در جامعه

زودتر اسلام آورده است ، و هیچ کس به جای صاحب خانه (امام مسجد) امامت نکند و در جای مخصوص او ننشیند مگر به اجازه ی او .
از فحوای این حدیث معلوم میشود که صاحب خانه در امامت شایسته تر است ، مگر اینکه خود صاحب خانه و یا امام دائم برای کسی دیگری . به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم « ولا یؤمن الرجل الرجل فی سلطانه ... » اجازه دهند .
(مختصر صحیح مسلم ۳۱۶) ، (صحیح مسلم ۶۷۳ / ۴۶۵ / ۱) ، (سنن ابو داود)
عون المعبود ۵۷۸ / ۲۸۹ / ۲) ، (سنن نسائی ۲۳۵ / ۱۴۰ / ۱)

امامت کودک :

در مورد اینکه امامت شخصی کودک برای ماموم و مقتدی های بالغ درست و صحیح است و یا خیر موضوع است که قابل اختلاف در بین علماء بوده که نظریات آن مختصراً قرار ذیل تذکر می یابد .

امام صاحب شافعی میفرماید :

امامت کودک را که حتی در سنین شش و هفت هم قرار داشته باشد ، و توانمندی و شرایط و فهم و ظایف امامت را داشته باشد ، میتواند مسؤلیت امامت نماز مسلمین را بدوش گیرد ، و استدلال خویش را به حدیثی روایت شده از عمرو بن سلمه بشرح ذیل مورد استناد قرار داده است :

عمرو بن سلمه می افزاید : « وقتی که واقعه فتح مکه روی داد هر قومی در مسلمان شدن عجله می کردند ، پدرم قبل از قومش اسلام آورد ، وقتی بر گشت گفت : به خدا قسم از نزد کسی آمده ام که حقیقتاً پیامبر است و گفته است : فلان نماز را در فلان وقت و فلان نماز را در فلان وقت بخوانید و هر گاه وقت نماز فرا رسید یکی از شما آذان بگوید و کسی که بیشتر قرآن را می داند برای شما امامت کند ، نگاه کردن کسی غیر از من نیافتند که بیشتر قرآن بداند ، چون قرآن را از کاروانیان یاد گرفته بودم ، پس مرا امام خود شان قرار دادند در حالیکه در آن هنگام سن من شش ساله یا هفت ساله بود . » (صحیح سنن نسائی ۷۶۱) ، (فتح الباری ۴۳۰۲ / ۲۲ / ۸) ، (سنن ابو داود ۵۸۱ / ۲۹۳ / ۲) .

« عَنْ عَمْرٍو بْنِ سَلْمَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا بِمَاءِ مَمَرِ النَّاسِ، وَكَانَ يَمُرُّ بِنَا الرُّكْبَانُ فَنَسَأَلُهُمْ: مَا لِلنَّاسِ مَا لِلنَّاسِ؟ مَا هَذَا الرَّجُلُ؟ فَيَقُولُونَ... وَبَدَرَ أَبِي قَوْمِي بِإِسْلَامِهِمْ، فَلَمَّا قَدِمَ، قَالَ: جِئْتُكُمْ وَاللَّهِ مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقًّا، فَقَالَ: صَلُّوا صَلَاةَ كَذَا فِي حِينِ كَذَا، وَصَلُّوا صَلَاةَ كَذَا فِي حِينِ كَذَا، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤَيِّنْ أَحَدُكُمْ، وَلْيُؤَمِّمْكُمْ أَكْثَرَكُمْ قُرْآنًا، فَانظُرُوا فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَكْثَرَ قُرْآنًا مِنِّي، لِمَا كُنْتُ أَتَلَّقِي مِنَ الرُّكْبَانِ، فَقَدَّمُونِي بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَأَنَا ابْنُ سِتِّ أَوْ سَبْعِ سِنِينَ، ... الخ. » (بخاری: 4302)

ولی امام صاحب ابو حنیفه ، امام صاحب مالک و امام صاحب حنبل امامت کودک نابالغ را برای ماموم های بالغ صحیح نمیدانند و استدلال میاورند که نماز برای کودک اصلاً واجب نبوده و نماز (فرض) برایش حکم نماز نافله (سنتها) دارد در حالیکه بر ماموم فرض است و استدلال خویش را به حدیثی زیر مستند نموده و میفرماید :

«رفع القلم عن ثلاثة: عن الصبي حتى يبلغ... الحديث.. یعنی: (بر سه دسته تکلیف نیست: بر کودکی تا بالغ می شود و... تا انتهای حدیث.)

امام و نقش آن در جامعه

امامت کودک در نماز های نفلی :

همچنان علماء در مورد اینکه کودک میتواند در نماز های نفلی ، امامت مأموم بالغ را بدوش بگیرد نیز با هم اختلاف دارند :

امام احمد و امام شافعی و امام مالک امامت کودک را در نماز های نفلی صحیح می دانند. ولی امام صاحب ابو حنیفه به نظریه قبلی خویش ایستاد شده و امامت کودک را حتی در نماز های نفلی نیز برای مأموم های بالغ جایز نمی دانند.

شیخ ابن عثیمین رحمه الله :

شیخ ابن عثیمین رحمه الله در مجموع الفتاوی خود (سوال 1008 کتاب الصلاة) با استناد به حدیث عمرو بن سلمة امامت کودک را در فرائض و نوافل صحیح می دانند و گفته که این عمل عمرو در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه وسلم به وقوع پیوسته و ممکن نیست که در زمان وحی امری مقرر شود که آن جایز نباشد.

امامت زن :

امام صاحب ابو حنیفه (رحمة) میفرماید:

امامت زن که نماز میدهد و نماز زنان مقتدی صحیح میشود اما اینکار مکروه تحریمی میباشد.

امام مالک رحمه:

زن در نماز ها چه فرضی باشد و یا هم نفلی نمیتواند برای مردن یا زنان امامت کند.

از اختلاف نظر علماء واضح میشود که امامت زن برای زنان جایز بوده اما امامت زن برای مردان جایز نمی باشد.

تبصره:

آیا امامت مرد تنها برای زنان بدون از موجودت مرد دیگر جواز دارد یا خیر ؟ در جواب باید گفت : بشرط آنکه امن از فتنه در میان نباشد جایز بوده ، ولی طوریکه در فوق بدان اشاره نمودیم بهتر است که امام از محارم زنان باشد، مثلاً اگر مردی زنان خانواده و اهل خانواده خود را نماز دهد جایز بوده و در آن هیچگونه ممانعت شرعی دیده نمیشود.

در حدیثی آمده است که : روزی اُبی بن کعب (رض) نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد گفت: « عملت الیله عملاً ، قال : ما هو ؟ قال : نسوة معی فی الدار فلن إنك تقرأ ولا تقرأ فصل بنا فصلیت ثمانیاً والوتر ، فسکت النبی (علیه السلام) فرأ ینا سکوتہ رضا ». یا رسول الله من امشب عملی را انجام داده ام ، آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: چیست ؟ گفتم امشب زنان در خانه بمن گفتند که من برایشان قرأت و نماز جماعت را بجا آورم ، پس من برایشان نماز جماعت هشت رکعتی و وتر را انجام دادم . بعد از شنیدن این داستان پیامبر اسلام سکوت کرد ، و این سکوت را طواری وانمود ساخت که از کار من راضی بود (ابو یعلی و طبرانی در وسط به سند حسن).

جماعت مستقل زنانه:

طوری که قبلاً به تفصیل بیان داشتیم که: در شرع اسلامی بر پای جماعت مستقل زنان، که امام و مقتدی‌ها همه زن باشند، ممانعت نداشته آنرا جایز دانسه و مکروه نمی باشد (علم الفقه جلد دوم صفحه ۹۲).

در روایتی از حضرت ام ورقه بن نوفل آمده است:

روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم بخاطر عیادت « ام ورقه » به منزل وی تشریف آورده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش مؤذنی را مقرر فرمود تا در اوقات نماز برایش آذان بگوید. و ام ورقه برای اعضای خانواده خود امامت می نمود. امامت مرد برای نماز جماعت زنان جایز است، مشروط بر اینکه در جماعت يك مرد دیگر نیز حضور داشته باشد، و یا هم در میان زنانی که نماز میخوانند، یکتا آنها محرمش باشد، مثلاً مادرش، خواهرش، یا خانمش در میان آنها موجود باشد. مادر صورتیکه مرد دیگری و یا یکی از محرماتش موجود نباشد، در آنصورت برای مرد، امامت برای جماعت زنان مکروه تحریمی است. اگر مقتدی یکنفر زن باشد، خواه بالغ باشد یا نابالغ، باید در عقب امام بایستد در کنار راست امام مانند مرد ایستاده نشود.

در مورد امامت زن در اسلام، همه مفسرین، فقها و شارعین شرع دین مقدس اسلام بدین باور و عقیده اند که امامت زن برای مردان بصورت مطلق جایز نمی باشد. ولی امامت زن برای زنان درست بوده و در آن هیچگون ممانعت نمی بینند. طوری که بی بی عائشه (رض) و بی بی ام سلمه (رض) برای زنان امامت میکردند و همراه ایشان در صف می ایستادند.

همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ام ورقه مؤذنی تعیین نموده و امر کرده بود که برای اهل خانه خود در نماز های فرض مشروط بر اینکه زنی که امامت می کند از آنها جلو نه ایستاد بلکه در صف با ایشان بایستد، امامت کند.

وظایف امام:

امام جماعت از آن رو که در برپایی نماز جماعت و ایجاد روحیه وحدت، در بین مصلین نقش اساسی را ایفا می کند، به یقین از ثواب بهره می برد، و چه بسا بیشتر از مأمومین دارای پاداش و ثواب باشد.

یکی از وظایف و مکلفیت که امام قبل از ادای نماز جماعت انجام دهد، اینست که از منظم و راست بودن صفوف مصلین اطمینان حاصل و غرض منظم بودن صفوف نمازگزارها را دعوت فرمایند.

سنت است که امام بعد از اینکه اقامه نماز توسط یکی از نمازگزاران به پایان رسید به طرف راست و چپ صفوف نمازگزاران نگاه کند و صف مأمومین را ترتیب و به برابری صفوف مصلین مطابق به حدیث که نعمان بن بشیر روایت نموده است، اقدام نمایند:

« کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یسوی صفوفنا إذا قمنا إلى الصلاة، فإذا استوینا کبر

امام و نقش آن در جامعه

« (روایت ابو داود) (پیامبر صلی الله علیه و سلم صفهای ما را هنگام برخاستن برای ادای نماز (جماعت) آراسته میکرد، و هنگامی که آراسته میشدیم تکبیرة الاحرام میگفت). و همچنین در حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از اقامه نماز میفرمود: «سوا صفوفکم، فإن تسوية الصف من تمام الصلاة» (روایت بخاری و مسلم و غیره) (صفهایتان را آراسته کنید، زیرا آراسته و برابر کردن صفها از کامل کردن نماز است)

منظم نمودن و برابر کردن صفوف نماز گزاران سنت است؛ حتی برخی از علماء آن را واجب دانسته‌اند؛ زیرا در حدیث آمده است که روزی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هنگام برپایی نماز، شخصی را دید که سینه‌اش از صف بیرون آمده بود، فرمود: «لَتَسُوْنَ صُفُوفَكُمْ أَوْ لِيَخَالَفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوْهِكُمْ» (بخاری 717 مسلم 436) (صفهای نمازتان را راست و برابر کنید و اگر نه، ممکن است الله چهره‌هایتان را دگرگون سازد) در این حدیث وعید سختی برای کسانی که صف‌های نماز را برابر نمی‌کنند آمده است حال آن که وعید از طرف شرع جز بر کار حرام و ترك واجب نمی‌آید. قول و فتوای برابر کردن صف‌ها، قولی قوی می‌باشد امام بخاری رحمة الله علیه در صحیح بخاری در این موضوع بابی تحت عنوان (باب إثم من لم يتم الصفوف) آورده است. بخاری (در آذان باب 75، قبل از شماره 724).

طریقه سنت در راست کردن صفوف:

چسپاندن بجلک پاها و راست کردن صفوف:

علماء کرام در این مورد متفق القول اند که مصلین باید در صف نماز جوخت ، جوخت ایستاده شوند و شانه‌های شان یکجا با بجلک پاها شان یک با دیگر چسپیده باشد . در سنت نبوی بر این امر تاکید بعمل آمده است که : نماز گزاران باید طوری در صف کنار هم قرار گیرند که شانه‌هایشان با هم و بجلک پاهایشان به هم بچسبد و نباید فاصله ای بین پاهای دو نفر بغل هم باشد. و البته هر شخص باید سعی کند پاهای خود را به اندازه عرض شانه‌هایش باز کند.

در حدیثی از « عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: « أَلَا تَصْفُونَ كَمَا تُصَفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ » فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ تُصَفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالَ: « يَتَمَوْنَ الصُّفُوفَ الْأُولَى، وَيَتَرَاوُونَ فِي الصَّفِّ » (رواه مسلم.) (از جابر رضی الله عنه روایت شده که: رسول الله صلی الله علیه و سلم بر ما برآمد و فرمود: چرا مثلئیکه فرشتگان در برابر الله شان صف می‌بندند، صف نمی‌بندید؟

گفتیم: یا رسول الله صلی الله علیه و سلم! فرشتگان در برابر پروردگار شان چگونه صف می‌بندند؟ فرمود: صفهای اول را کامل نموده و با نظم در صف ایستاده می‌شوند. (یعنی جای خالی در میان شان باقی نمی‌ماند).

همچنان در حدیثی از « وَعَنْ أَبِي مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمْسُحُ مَنَاكِبَنَا فِي الصَّلَاةِ، وَيَقُولُ: « اسْتَوُوا وَلَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ، لَيْلِي مِنْكُمْ أُولُوا الْأَحْلَامِ وَالنُّهَى، ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ » (رواه مسلم.) (از ابو

امام و نقش آن در جامعه

مسعود رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم شانه های ما را در نماز دست کشیده و می فرمود: برابر ایستاده شده و اختلاف نکنید (که شانه های بعضی جلوتر از شانه های گروه دیگر باشد) تا دل های شما با هم اختلاف نکند و باید کسانی که عاقل و بالغ اند، نزدیک ایستاده شوند و باز کسانی که به آنها نزدیک اند « مانند اطفال» و باز کسانی که به آنها نزدیک اند. (مثل مخنت ها یا زنان).
« فتختلف قلوبکم» یعنی آرزوها و اراده آن مختلف شود، در اینجا است که فتنه ها برانگیخته شده وحدت کلمه بهم خورده شوکت اسلام و مسلمین ضربه دیده دشمن چیره شده و عبادت کم و کارهای زشت و فساد ترویج می یابد.

خوانندگان محترم !

در باره تسویه و برابر ساختن صفوف باید گفت: با توجه به اخطارها و انظار های شدیدی که درین مورد آمده لازم است، ائمه مساجد در عملی ساختن آن قبل از شروع در نماز اهتمام ورزند تا رحمت حق شامل حال همه شده و نماز شان کامل شود.
در حدیثی از : از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: « وَعَنْهُ قَالَ: أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَأَقْبَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِوَجْهِهِ فَقَالَ: «أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَتَرَاصُّوا، فَإِنِّي أَرَاكُمْ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي» رواه البُخَارِيُّ بِلَفْظِهِ، وَمُسَلِّمٌ بِمَعْنَاهُ. وَفِي رِوَايَةٍ لِلْبُخَارِيِّ: وَكَانَ أَحَدُنَا يَلْزِقُ مَنكِبَهُ بِمَنكِبِ صَاحِبِهِ وَقَدَمَهُ بِقَدَمِهِ» .
نماز اقامه شد (پس از اقامت نماز) و رسول الله صلی الله علیه وسلم بطرف ما روی آورده و فرمود: صفهای خود را برابر نموده و بهم پیوسته بایستید، زیرا من شما را از پشت سرم می بینم.

و در روایتی از بخاری آمده که: و یکی از ما شانه خد را به شانه رفیقش و پایش را به پای رفیقش می چسباند.

در حدیثی از النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، رَوَايَتِ اسْتِ كِه پيامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: « لَتُسَوَّنَّ صُفُوفَكُمْ، أَوْ لِيَخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وَجُوهِكُمْ» متفق عليه.
و فی روایة لمسلم: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَسْوِي صُفُوفَنَا، حَتَّى كَأَنَّمَا يَسْوِي بَهَا الْقِدَاحَ، حَتَّى رَأَى أَنَا قَدْ عَقَلْنَا عَنْهُ. ثُمَّ حَرَجَ يَوْمًا فَقَامَ حَتَّى كَادَ يَكْبُرُ، فَرَأَى رَجُلًا بَادِيًا صَدْرُهُ مِنَ الصَّفِّ فَقَالَ: «عِبَادَ اللَّهِ، لَتُسَوَّنَّ صُفُوفَكُمْ، أَوْ لِيَخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وَجُوهِكُمْ» .
از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت شده که گفت:

از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: هر آئینه یا شما صفهای خود را برابر خواهید کرد، یا اینکه خداوند در میان شما حتماً اختلاف خواهد انداخت.

و در روایتی از مسلم آمده که: رسول الله صلی الله علیه وسلم صفهای ما را برابر می نمود، حتی که گویی بوسیله آن قداح (چوبهای تیر) را برابر می کند، تا اینکه دید که مقصودش را فهمیده ایم. سپس روزی بر آمد و استاد تا اینکه نزدیک بود تکبیر گوید و مردی را دید که سینه اش از صف آشکار بود. پس فرمود: ای بنده ای خدا! یا حتماً صفهای خود را برابر خواهید کرد و یا اینکه خداوند حتماً در بین شما اختلاف خواهد انداخت.

امام و نقش آن در جامعه

و عن البراء بن عازب، رضى الله عنهما، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم، يتخلل الصّف من ناحية إلى ناحية، يمسح صدورنا، ومناكبنا، ويقول: لا تتخلفوا فتختلف قلوبكم « وكان يقول: إن الله وملائكته يصلون على الصّفوف الأول » رواه أبو داود بإسناد حسن. از براء بن عازب رضى الله عنه روایت شده که گفت:

رسول الله صلى الله عليه وسلم به صف از یک گوشه تا گوشه دیگر داخل شده سینه ها و شانه های مان را دست کشیده و می فرمود: اختلاف نکنید (در صف) تا دل های شما با هم اختلاف نکند و می فرمود که: همانا خداوند جل جلاله و فرشتگانش بر صف های اول درود می فرستند.

و عن ابن عمر رضى الله عنهما، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أقيموا الصّفوف وحاذوا بين المناكب، وسدوا الخلل، وليتوا بأيدي إخوانكم، ولا تدروا فرجات للشيطان، ومن وصل صفا وصله الله، ومن قطع صفا قطع الله الله » رواه أبو داود بإسناد صحيح. از ابن عمر رضى الله عنهما روایت شده که:

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: صفها را درست نموده و شانه ها را بهم برابر کرده و خالیگاه ها را ببندید و برادرهای خود را با دست خود راست کنید و گشادگی هایی برای شیطان مگذارید و کسیکه صفی را پیوسته و وصل نماید خداوند او را پیوسته می دارد (یعنی رحمتش را بر او نازل می کند) و کسیکه صفی را قطع کند، خداوند او را قطع می کند (یعنی از رحمتش او را دور می کند).

و عن أنس رضى الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: « رصوا صفوفكم، وقاربوا بينها، وحاذوا بالأعناق، فوالذي نفسي بيده إني لأرى الشيطان يدخل من خلل الصّف، كأنها الحدف » حديث صحيح رواه أبو داود بإسناد على شرط مسلم. از انس رضى الله عنه روایت است که:

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: صفهای خود را محکم کنید و آنها را بهم نزدیک بگیرید (بین هر دو صف 3 گز باشد) و گردنهای خود را بهم برابر نمائید، زیرا سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست که هر آئینه من شیطان را می بینم که از خالیگاههای صفها مانند حدف (گوسفند سیاه کوچکی که در یمن است) داخل می گردد.

و عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: « أنموا الصّف المقدم، ثمّ الذى يليه، فما كان من نقص فليكن في الصّف المؤخر » رواه أبو داود بإسناد حسن. از انس رضى الله عنه روایت است که: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: تمام کنید صف پیش را، بعد صفی را که نزدیک آن است و آنچه نقص است، باید در صف آخر باشد.

و عن أبي هريرة رضى الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «وسيطوا الإمام، وسدوا الخلل » رواه أبو داود. (از ابو هریره رضى الله عنه روایت است که: «رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: امام را در وسط قرار داده و فاصله ها را بند کنید.

یادداشت فقهی :

در مورد اینکه تنظیم و راست کردن صف های نماز جماعت واجب است یا سنت علماء در مورد مختلف الری اند . تعدادی از علماء میفرمایند که تنظیم و راست نمودن صف در

امام و نقش آن در جامعه

نماز جماعت سنت است. ولی تعدادی از علماء حتی برواجب بودن راست کردن و تنظیم صفوف نماز جماعت حکم صادر نموده اند، و من فکر میکنم که واجب در تنظیم و راست بودن صفوف مصلین، حکم دقیق، درست و نزدیک به ثواب میباشد.

تفصیل موضوع را میتوان در المحلی (1-379)، مصنف عبد الرزاق (2-57)، عون المعبود (1-250)، سلسله الاحادیث الصحیحه (1-38 رقم 32)، فتح الباری (2-167)، التحقیقات فی رد الهفوات صفحه (294) فتاوی الدین الخالص (5-249) المجموع شرح المذهب (4-225، 226)، الدر المختار (1-382) مطالعه فرماید.

علم شهیر جهان اسلام علامه ابن حجر مکی در کتاب خویش الزواجر (1-146) نگاشته است: عدم برابری صفوف و عدم راست کردن صفوف از جمله گناهان کبیره میباشد. زیر و عید های متعددی در شرع اسلامی در این مورد بیان گردیده است. بنا بر تمام مسلمانان است که در تنظیم و راست کردن صفوف در جماعت سعی، و کوشش و از حوصلیه و بردباری خاصی کار گیرد.

فضیلت صفوف اول و صفوف سمت راست:

قبل از همه باید بعرض برسانم که: اگر نماز جماعت دونفری باشد، مقتدی، باید در سمت راست امام و شانه به شانه امام ایستاده شود.

در حدیث که از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت شده، آمده است: «بت فی بیت خالتی میمونه فصلی رسول الله صلی الله علیه وسلم العشاء، ثم جاء فصلی أربع رکعات، ثم نام، ثم قام فجئت فقمت عن يساره فعلى عن يمينه» (شبی در خانه خاله ام میمونه ماندم، پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از خواندن نماز عشاء (به خانه) آمد و چهار رکعت نماز خواند؛ و خوابید سپس نیمه شب بلند شد و به نماز ایستاد، من آمدم و سمت چپش ایستادم، پیامبر مرا در سمت راست خود قرار داد) (بخاری (697)).

اما در مورد سمت راست صفوف نص مرفوعی از پیامبر صلی الله علیه وسلم به اثبات نرسیده است از براء بن عازب روایت است: وقتی که پشت سر پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز می خواندیم، دوست داشتیم در سمت راست او بایستیم؛ چون بعد از سلام رو به ما می کرد، (براء) گوید: از او شنیدم که می فرمود: «رب قنی عذابک یوم تبعث عبادک» (پروردگارا، روزی که بندگانت را زنده می کنی مرا از عذابت محفوظ بفرما) (مسلم (709)).

و فقها گفته اند که سمت راست امام افضلتر از سمت چپ اوست. البته اگر سمت راست دورتر از امام باشد در آنصورت سمت چپ اگر به امام نزدیکتر باشد افضلتر است.

به عباره دیگر نزدیک ایستاده شدن به امام در نماز جماعت افضل است چه در قرار گرفتن در صفوف اول باشد و چه در سمت راست یا چپ.

شیخ ابن عثیمین می گوید: «اگر مامومین بیشتر از یک نفر بودند، در آنصورت سمت راست صف از سمت چپ افضلتر است و این زمانیست که (سمت راست و چپ) متقارن باشند در غیر اینصورت اگر سمت راست دور تر از امام نسبت به ماموم شود پس سمت چپ که به امام نزدیکتر است افضلتر خواهد بود...»

امام و نقش آن در جامعه

خلاصه سمت راست افضل است به شرطیکه آندو متساوی یا متقارن باشند وگرنه اگر سمت راست دور باشد پس افضل چپ خواهد بود، زیرا در اینحالت سمت چپ به امام نزدیکتر است. (تفصیل مجموع فتاوی الشیخ ابن عثیمین (184/12)).

همچنان در احادیث آمده است که صف اول در نماز جماعت نسبت به صف آخر افضلتر است، زیرا در حدیثی از براء بن عازب روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إن الله و ملائکته یصلون علی الصفوف الأول» «خدا و ملائکته ای او بر صفهای او نماز، صلوات می فرستند». (ابوداود (650)).

هدف اساسی در همه احادیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم همین است که، نمازگزار در صورتیکه ممکن باشد کوشش کند که به امام نزدیک باشد و کسی که هم در صف اول و هم در سمت راستی که نزدیک امام است، فضل بیشتری کسب می کند.

یادداشت:

فقها و علماء مشرعین در مورد اشتراک زنان در نماز جماعت میگویند که: برای زنان عکس مردان است؛ یعنی صفوف آخر در نماز جماعت بهتر و افضلتر است نسبت به صفوف اول.

در حدیثی که از ابوهریره روایت شده است، آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «خیر صفوف الرجال أولها، و شرها آخرها و خیر صفوف النساء آخرها و شرها أولها» (بهترین (با فضیلتترین) صفوف مردان صف اول و بدترین (کم فضیلتترین) صفوف آنها صف آخر است، و بهترین صفوف زنان صف آخر و بدترین صفوف آنها صف اول است). (مسلم (440)).

پشت سر امام باید چه کس ایستاد شود:

قبل از همه باید گفت، که صف اول مصلین در نماز جماعت باید از پشت سر امام آغاز و تشکیل گردید و صفوف باید به طرف راست و چپ امتداد یابد.

در مورد اینکه چه کسی پشت سر امام باید ایستاد، رهنمود آن در حدیثی از ابو مسعود انصاری بشرح ذیل با حکمت و زیبایی خاض آن بیان گردیده است:

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «کسانی از شما پشت سر من بایستند، که دارای عقل و علم بیشتری هستند» (صحیح امام مسلم 432- 323- 1) (عون المعبود 660 - 371- 2) (سنن ابن ماجه 976 - 312 - 1)

امام نباید، امامت جماعتی کسانی را بدوش گیرد که او را دوست ندارند. اگر در بین جماعت، اختلاف وجود داشته باشد (بدین معنی که عده ای او را دوست داشته باشند و عده ای دیگر از او ناراضی باشند) ملاک، نظر اکثریت است. هر گاه شخصی میان انجام امامت نماز و گفتن آذان مخیر گردید بهتر است امامت را انتخاب کند.

بر امام لازم است که اوقات نماز را رعایت کند، نمازها را در اول وقت آنها بر گزار نماید، و حق ندارد به بهانه جمع شدن افراد بیشتر نماز جماعت را به تأخیر بیاندازد.

امام و نقش آن در جامعه

امام باید محض بخاطر رضای خداوند عزوجل ، امامت را انجام دهد و امانت خداوند متعال را در طهارت و تمام شروط به جای آورد.

امام نباید قبل از تنظیم و راست نمودن صفوف جماعت ، تکبیر احرام بگوید. امام وظیفه دارد و بر وی لازم است که به طرف راست و چپ صفوف نگاه کند، و صفوف مصلین را منظم کند . حکم این در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین فورمولبندی گردیده است : « سووا صفوفکم فإن تسویه الصف من تمام الصلاة » (صف هایتان را راست کنید ؛ چون راست کردن صفوف از کمال نماز است) (صحیح امام مسلم ۴۳۳ / ۳۲۴ / ۱) ، (صحیح امام بخاری ۷۲۳ / ۲۰۹ / ۲) .

از ابو مسعود روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از نماز به شانه نمازگزاران دست می کشید و می فرمود : «استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبکم ... » (صف هایتان را راست کنید و اختلاف نکنید که) با اختلاف (قلب هایتان از هم دور می شود) . (صحیح مسلم ۴۳۶ - ۱۲۸ / ۳۲۴ / ۱) ، (سنن ابو داود ۶۴۹ / ۲ / ۳۶۳) .

از نعمان بن بشیر روایت است : که پیامبر صلی الله علیه وسلم چنان صف های ما را راست می کرد که گویا (تیر قدح) را راست می کند. امام بعد از اینکه شانه نماز گزاران در برابر هم قرار گرفت و پا های آنان به هم متصل شد و مؤذن از گفتن اقامه فارغ شود ، تکبیر احرام را بجا آورد. همچنان مؤذن یا مصلی دیگر اقامه را به فاصله ای که مردم خود را برای نماز آماده می کنند به تأخیر می اندازد.

امام باید تکبیر احرام و سایر تکبیر های دیگر را با صدای بلند بگوید امام به تخفیف نماز امر شده است از ابو هریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « إذا صلی أحدکم للناس فلیخفف فإن فیهم الضعیف والضعیف والکبیر فإذا صلی لنفسه فلیطول ما شاء » (هر گاه یکی از شما برای مردم امامت کرد نمازش را سبک بخواند چون در میان آنها ضعیف ، مریض و مسن وجود دارد و اگر خودش به تنهایی نماز خواند هر اندازه که دل اش خواست نماز خویش را طولانی سازد) . (صحیح امام بخاری ، فتح الباری ۷۰۳ / ۱۹۹ / ۲) ، (صحیح امام مسلم ۴۶۷ / ۳۴۱ / ۱) ، (سنن الترمذی ۱ / ۱۵۰ / ۲۳۶) ، (سنن نسائی ۲ / ۹۴) .

صفوف مردان و زنان در نماز جماعت :

اسلام جای زن را در مسجد هنگام ادای نماز جماعت به اساس هدایت پیامبر صلی الله علیه وسلم معین و مشخص نموده است ، و برای زن هدایت فرموده است که : نباید از مردان در نماز مقدمتر و جلوتر ایستاده شود و یا هم در نزدیکی ایشان نماز بخواند. سخن ما متوجه آنده از مساجد است که محل مستقلى و جداگانی برای زنان نداشته باشد . فلسفه و حکمت اینکه چرا جای و محل زنان در نماز جماعت در عقب مردان است باید گفت که : وضع احکام شرعی در دین مقدس اسلام بر اساس مصالح و مفاسد است؛ و هر حکمی دارای فلسفه ، حکمت و علتی است؛ ولی بیان و کشف علت تمام جزئیات احکام، کار بسیار مشکلی برای عقل قاصر ما انسانها است .

امام و نقش آن در جامعه

ولی با این اختصار اکتفاء نموده و میگویم که: روح و کمال تمام عبادات در دین مقدس اسلام به حضور قلب و توجه آن، به درگاه ذات حق تعالی می باشد، طوریکه هیچ عبادتی، بدون توجه قلبی، نه تنها مورد قبول و رحمت ذات حق تعالی واقع نمی شود بلکه از اعتبار هم ساقط است.

بر همین اساس، دستور و هدایت پیامبر صلی الله علیه وسلم غرض محافظت توجه قلبی و ایجاد واقعی خضوع و خشوع در نماز، محل و جای زنان در نماز جماعت در عقب مرد ها تعیین گردیده است.

از جانب دیگر نزدیک بودن زن و مرد در یک مکان، در حال نماز، با توجه به جذابیت زن برای مرد (حداقل بعض موارد)، مخّل و مضر به توجه قلبی در نماز می باشد. در مورد صفوف مردان و زنان در نماز جماعت در حدیثی از ابو هریره (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «خیر صفوف الرجال او لها، وشرها آخرها و خیر صفوف النساء آخرها و شرها او لها» (بهترین با فضیلت ترین (صفوف مردان صف اول و بدترین) کم فضیلت ترین (صفوف صف آخر است، و بهترین صفوف زنان صف آخر و بدترین صفوف آنها صف اول است)». (صحیح امام مسلم ۶۶۰ - ۲۶۹ - ۱/۴۵۸)، (سنن ابو داود ۵۹۵ / ۳۱۸ / ۲)، (سنن ابن ماجه ۹۷۵ / ۳۱۲ / ۱)

این هدایت و فرموده پیامبر اسلام: که بهترین صفوف مردان صف اول آنست «تصریح به افضل بودن صف اول برای مردان میباشد.» بدترین صف های مردان آخر آنهاست «زیرا در آن تر ك فضیلتی میباشد که صف اول دارد» آخرین صفوف زنان بهترین آنهاست «زیرا از خلط شدن با مردان دور است بر خلاف صف اول زنان که گمان خلط شدن با مردان بوده و همچنان قلب به سبب دیدن و شنیدن سخنان آنها به ایشان تعلق پیدا می کند لذا صف اول زنان بدترین صفوف آنها میباشد.

از این حدیث مبارک طوری معلوم میشود که نماز زنان بصورت صف جایز است خواه در نماز جماعت با مردان بوده یا تنها جماعت زنان باشد. اگر مقتدی يك نفر باشد باید بطرف راست امام و شانه به شانه او ایستاده شود: اگر تعداد مقتدی ها بیشتر بودند به صف اول مردان، سپس بچه ها در اخیر زن ها ایستاده شوند.

ولی اگر مقتدی يك زن باشد، باید در پشت سر امام ایستاده شود. در این مورد هدایت پیامبر صلی الله علیه وسلم را در حدیثی که: از انس بن مالك روایت شده بشکل ذیل میخوانیم: «أن رسول الله صلی الله علیه وسلم به ویا مه أوالته، قال: فاقمنی عن یمینه، وأقام المرأة خلفنا» (پیامبر صلی الله علیه وسلم برای او و مادر یا خاله اش امامت کرد، او را در سمت راست خود وزن را پشت سر ما قرار داد). (صحیح امام بخاری ۷۰۰ / ۱۹۲ / ۲)، (صحیح امام مسلم ۴۶۵ / ۳۳۹ / ۱)، (سنن ابو داود ۷۷۶ / ۴ / ۳).

وظایف امام مربوط قرائت :

خواندن قرائت قرآن عظیم الشان ، بخش مهمی در وظایف امامت است : امام باید دعای افتتاح و تَعُوذُ (اَعُوذُ بِاللَّهِ ...) را مانند نماز انفرادی به حالت آهسته (خفیه) بخواند ولی قرائت سوره فاتحه و سوره بعد از آنرا را دو رکعت نماز صبح و در دو رکعت اول نماز مغرب و دو رکعت اول نماز عشاء با صدای بلند قرائت کند . امام در حالیکه برای ادای نماز به پا ایستاده باید در سه مورد سکوت را رعایت کند .

الف :

بعد از آنکه تکبیر تحریمه را اعلام کرد ، طوری که قبلاً یاد آور شدیم ، باید دعای افتتاح را به آهستگی بخواند و سپس به اندازه قرائت فاتحه سکوت کند. تا مقتدیان فرصت به گوش دادن قرائت امام را از دست ندهد. امام زمانیکه از قرائت فاتحه به صورت جهری فارغ می شود لحظه مختصری مختصری سکوت کند. همچنان امام بعد از قرائت سوره قبل از رفتن به رکوع سکوت کوتاه و بی نهایت مختصری بعمل آرد.

امام کوشش کند نظمی را در ادای نماز جماعت رعایت و ایجاد کند که نماز پنچگانه را بوقت معینه اش ادا نماید. بخصوص وجبیه امام است تا نماز صبح را در اول وقت که هوا هنوز تاریک است بجای آورد و قرائت را آن کمی طویل انجام دهند.

مکث در قیام نماز:

از پیامبر صلی الله علیه و سلم دو بار مکث در قیام نماز وارد شده است، یکی مستقیماً بعد از تکبیرة الاحرام، و دیگری درست قبل از رکوع. سکوت بعد از تکبیرة الاحرام بخاطر قرائت دعاء افتتاح میباشد که البته سنت است. ولی سکوت قبل از رکوع و بعد از قرائت قرآن، طوری که گفتیم ، سکوتش کوتاهتر است و چیزی خوانده نمیشود، و شاید علت مکث قبل از رکوع آنست که پایان قرائت قرآن به الله اکبر رکوع وصل نشود، لذا سنت است که پس از پایان قرائت کمی مکث کرد، و سپس الله اکبر رکوع گفت و به رکوع رفت .

دعا های وارد شده در مقام افتتاح:

- 1- « الحمد لله حمداً كثيراً طیباً مبارکاً فيه » (روایت مسلم)
- 2- « الله أكبر کبیراً، والحمد لله کثیراً، وسُبْحانَ الله بكرةً وأصیلاً » (روایت مسلم)
- 3- « اللهم باعد بینی و بین خطایای کما باعدت بین المشرق والمغرب، اللهم نقّنی من خطایای کما یُنقّی الثوبُ الأبیضُ من الدنس، اللهم اغسلنی بالماء البارد » (روایت بخاری و مسلم)
- 4- « وجهت وجهی للذی فطر السموات والأرض حنیفاً وما أنا من المشرکین، إن صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلك أمرت وأنا من المسلمین » (روایت مسلم)
- 5- « اللهم رب جبرائیل ومیکائیل وإسرافیل، فاطر السموات والأرض، عالم الغیب

امام و نقش آن در جامعه

والشهادة ، أنت تحکم بین عبادک فیما كانوا فیہ یختلفون . اهدنی لما اختلف فیہ من الحق بإذنک إنک تهدی من تشاء إلى صراط مستقیم» (روایت مسلم) - این دعاء را پیامبر صلی الله علیه و سلم در نماز قیام اللیل میخواندند .

یادداشت:

و اگر کسی پشت سر امام نماز بخواند، چنانچه امام مکث کند و دعاء استفتاح بخواند، ماموم نیز میتواند دعاء استفتاح را بخواند، و اگر بلد نباشد باید سکوت کند تا امام قرائت را شروع کند.

وظایف امام بعد ختم نماز:

امام باید بعد از سلام موقعیت نشستن خود را تغیر دهد، چراکه پیامبر صلی الله علیه وسلم، حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر (رضی الله عنهما) این کار را انجام می دادند.

باید نماز سنت را در صورت امکان با تغیر محل در غیر جای فرض بخواند. امام وقتیکه از قبله بر می گردد باید روی خویش را به سوی مقتدیان بعمل آورد. بر مقتدیان مکروه است قبل از اینکه امام به سوی آنان روی آورد از جای خود بر خیزند. امام در هر حالتی که بود باید مقتدی به او اقتدا کند: در حدیث متبرکه که از امیر المومنین حضرت علی بن ابی طالب و معاذ بن جبل روایت است که گفتند: « هرگاه یکی از شما برای نماز به مسجد آمدید، امام را در هر حالتی دیدید، به او اقتدا کنید » « الصلاة والامام علی حال فلیصنع کما یصنع الإمام ». (صحیح سنن الترمذی ۱۸۴)، (صحیح سنن ابن ماجه ۲۶۱)، (سنن الترمذی ۵۸۸ / ۵۱ / ۲).

یادداشت:

امام حد اعظمی کوشش کند که امامت کسانی را بدوش گیرد، که مردم اورادوست داشته باشند، ولی اگر در بین جماعت، اختلاف وجود داشته باشد (عده ای اورادوست داشته باشند و عده ای دیگر از او ناراضی باشند) ملاک، نظر اکثریت است. هرگاه شخصی میان انجام امامت نماز و گفتن آذان مخیر گردید بهتر است امامت را انتخاب کند.

بر امام لازم است که اوقات نماز را رعایت کند، نمازها را در اول وقت آنها بر گزار نماید، وحق ندارد به خاطر جمع شدن افراد بیشتر نماز را به تأخیر بیاندازد.

امام باید محض بخاطر رضای خداوند عزوجل، امامت را انجام دهد و امانت خداوند متعال را در طهارت و تمام شروط به جای آورد. وطوریکه در فوق بدان اشاره نمودیم، امام نباید قبل از تنظیم و راست نمودن صفوف جماعت، تکبیر احرام بگوید.

در حدیثی که از ابو مسعود روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از نماز به شانه نمازگزاران دست می کشید و می فرمود: « استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبکم ... » (صف هایتان را راست کنید و اختلاف نکنید که (با اختلاف) قلب هایتان

امام و نقش آن در جامعه

از هم دور می شود» (صحیح مسلم ۴۳۶ - ۱۲۸ / ۳۲۴ / ۱) ، (سنن ابو داود ۶۴۹ / ۳۶۳ / ۲) .

از نعمان بن بشیر روایت است : که پیامبر صلی الله علیه وسلم چنان صف های ما را راست می کرد که گویا تیر (قدح) را راست می کند .
امام بعد از اینکه شانه نماز گزاران در برابر هم قرار گرفت و پاهای آنان به هم متصل شد و مؤذن از گفتن اقامه فارغ شود ، تکبیر احرام را بجا آورد .
همچنان مؤذن (یا مصلی دیگر) اقامه را به فاصله ای که مردم خود را برای نماز آماده می کنند به تأخیر می اندازد .

امام باید تکبیر احرام و سایر تکبیر های دیگر را با صدای بلند بگوید . امام به تخفیف نماز امر شده است از ابو هریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « إذا صلی أحدکم للناس فلیخفف فإن فیهم الضعیف والسقیم والکبیر فإذا صلی لنفسه فلیطول ما شاء » (هر گاه یکی از شما برای مردم امامت کرد نمازش را سبک بخواند چون در میان آنها ضعیف ، مریض و مسن وجود دارد و اگر خودش به تنهایی نماز خواند هر اندازه که می خواند نمازش را طولانی کند) . (صحیح امام بخاری ، فتح الباری ۷۰۳ / ۱۹۹ / ۲) ، (صحیح امام مسلم ۴۶۷ / ۳۴۱ / ۱) ، (سنن الترمذی ۱ / ۱۵۰ / ۲۳۶) ، (سنن نسائی ۲ / ۹۴) .

حکم قرائت در عقب امام :

برای مقتدی ای که در عقب امام برای ادای نماز ایستاده است ، قرائت صحیح نبوده و برخی از علماء ، قرائت به آواز بلند در عقب امام را مکروه تحریمی دانسته اند ، زیرا اگر مقتدیان به آواز بلند قرائت کنند ، در قرائت امام خلل وارد میشود ، و حضرت پیامبر اکرم صلی اله علیه وسلم از قرائت در عقب امام منع فرموده است . محدثین در روایت اسلامی خویش مینویسند : روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از اینکه از نماز صبح فارغ شد و نماز را به اتمام رسانید ، روی بطرف صحابه کرام نموده پرسید : « آیا کسی از شما در عقب من قرائت می نمود ؟ » صحابی یی جواب داد : « بلی ! من قرائت می نمودم . » پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « من میپرسم : آیا شما در خواندن قرآن با من مناقشه می نمائید ؟ » .

حکم سبقت گرفتن از امام در نماز جماعت؟

علماء و فقها بدین نظر اند که در نماز جماعت مقتدی : بعد از امام تکبیر بگویند ، و بعد از امام به رکوع و سجده برود ، و بعد از امام سر از رکوع و سجده بردارد .
بنابراین مقتدیان نباید از امام خود سبقت گیرند و حتی نباید هماهنگ و همزمان با او انتقال یابند ، در این مورد حدیثی از حضرت ابوهریره رضی الله عنه بهترین رهنمود ما میباشد : « أما یخشی أحدکم إذا رفع رأسه قبل الإمام أن يجعل الله رأسه حمار ، أو يجعل الله صورته صورة حمار » « آیا وقتی یکی از شما سرش را قبل از امام بلند می کند (از او پیشی می گیرد) نمی ترسد از اینکه خداوند سرش را مانند سر خر یا صورتش را مانند صورت خر بگرداند » . (متفق علیه و این لفظ بخاری است) .

خواننده محترم !

متابعت و پیروی از امام واجب است و پیشی گرفتن از وی در نماز جماعت حرام میباشد، در این مورد حضرت ابوهریره رضی الله عنه در حدیثی فرموده است: «**إنما جعل الإمام ليؤتم به، فلا تختلفوا عليه، فإذا كبر فكبروا، وإذا ركع فاركعوا، وإذا قال سمع الله لمن حمده فقولوا: اللهم ربنا لك الحمد، وإذا سجد فاسجدوا، وإذا صلى قاعدا فصلوا قعوداً أجمعون**».

یعنی: امام را بدین علت امام قرار داده‌اند، تا از وی پیروی شود و به وی اقتدا گردد، پس از وی تخلف نکنید، هر وقت تکبیر گفت، تکبیر گوئید، هر وقت به رکوع رفت، به رکوع بروید، و چون گفت: سمع الله شما بگوئید: اللهم.. و هر وقت به سجده رفت شما نیز به سجده بروید و چون نشسته نماز خواند، شما نیز همگی نشسته نماز بخوانید.. به روایت شیخین. و در روایت احمد و ابوداود متن حدیث چنین است: «**إنما الإمام ليؤتم به فإذا كبر فكبروا، ولا تكبروا حتى يكبر، وإذا ركع فاركعوا، ولا تركعوا حتى يركع، وإذا سجد فاسجدوا، ولا تسجدوا حتى يسجد**».

و در حدیثی از حضرت انس روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «**أيها الناس، إني إمامكم فلا تسبقوني بالركوع ولا بالسجود ولا بالقيام ولا بالقعود ولا بالانصراف**».

یعنی: ای مردم بی‌گمان من امام جماعت و پیشوای شما هستم، بنابراین در رکوع و سجود و ایستادن و برخاستن و نشستن و سلام دادن از من پیشی مگیرید. به روایت احمد و مسلم.

از براء بن عازب روایت است که: ما با پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز می خواندیم، چون می‌گفت: «**سمع الله لمن حمده**» هیچ کس از ما خم نمی‌شد (که به سجده برود) تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و سلم پیشانیش را بر زمین می‌نهاد (آنوقت ما به سجده می‌رفتیم). به روایت جماعت محدثین.

همه ای علماء در این مورد متفق القول اند که اگر: مأموم در تکبیره الاحرام و سلام دادن، از امام پیشی گیرد نمازش باطل است. و در غیر آنها اختلاف است امام احمد گفته است: کسی که از امام پیشی گیرد، نمازش باطل است. مساوات و همزمان بودن با امام نیز مکروه است.

حکم نماز پشت امامی که قرائتش خوب نیست:

قبل از همه باید گفت که نماز گزار سعی و تلاش خویش را بخرچ دهد تا پشت امامی نماز بخواند که قرائت آن کامل و صحیح باشد، ولی اگر انسان معلوماتی داشته باشد که قرائت فلان ملا امام خوب نیست، پس بهتر است، پشت ان امام اصلاً نماز نخواند، و حکم شرعی نیز همین اینست که خواندن نماز پشت آن درست نمیباشد.

بطوری مثال در قرائت سوره‌ی فاتحه چنان اشتباهاتی از آن رخ میدهد که بجای (انعمت) (انعمت) میخواند که معنی بصورت مطلق تغییر می یابد، طوریکه که گفته شد، اساساً خواندن نماز پشت سر او جایز نیست. در صورت ملاحظه همچو وضع، در

امام و نقش آن در جامعه

ابتدا کوشش بعمل آید که با حکمت و بدون اینکه که به شخصیت امامتی اش صدمه برسد ، او را به اشتباهش آگاه ساخت، اگر قناعت کرد ، و قرائتش را اصلاح کرد پس چه بهتر و اگر نه، پس لازم است برای امامی بهتر اقتدانمای ، تا جایگزین این امام شود.

دیدگاه شیخ ابن عثیمین در این بابت :

شیخ ابن عثیمین در مجموع فتاوی و رسایل (15/159) طی فتوای میفرماید : «اگر اشتباه خواندن امام موجب تغییر معنی نشود، نماز خواندن پشت سر او جایز است، ولی باید روش صحیح خواندن را به او آموزش داد .چنانچه اشتباهش باعث ایجاد تغییر در معنی می شود نماز خواندن پشت سر او جایز نیست و نباید به عنوان امام مسجد مقرر شود.»

دیدگاه شیخ ابن جبرین در این بابت :

شیخ ابن جبرین در این مورد طی فتوای شرعی میفرماید : نصیحت من برای نماز گزاران اینست: کسانی که پشت سر امام قرار دارند باید آرامش، وقار و حضور قلب خویش را در نماز حفظ کنند و بر امام در این گونه موارد سخت گیری نکنند؛ مثلاً در جایی کلمه‌ای از زبان امام ساقط می‌شود یا چیزی را اشتباه می‌خواند که در معنی اخلال به وجود نمی‌آید. در صورتی که کار را عمداً انجام نمی‌دهد، نباید بر او سخت گیری کنند، چون در این صورت تمرکز امام از بین می‌رود و چه بسا سرگردان می‌شود و از ادامه‌ی قرائت باز می‌ماند و بر مقتدی‌هاست که سکوت و گوش دادن را بر خود لازم بگیرند و از قرائت امام استفاده نمایند و در اشتباهات ناچیز، امام را معذور بدانند، زیرا چنین اشتباهاتی طبیعی است و امام نیز تا می‌تواند در جهت تقویت قرائت و تصحیح حروف قرآن تلاش و کوشش کند). (از گفتار و املا‌ی شیخ ابن جبرین)

خواندن نماز پشت امامیکه معنی آیات را تغییر دهد:

اگر امام مسجد طوری قرائت مینماید که معنی آیات را تغییر دهد (مثلاً بجای تلفظ آنرا شبیه ت بخواند) یا اینکه گاهی اوقات فتحه را با کسره اشتباهی بخواند، در این صورت نماز خواندن پشت سر چنین امامی جایز نیست. همچنین اگر کسی به شرک قبور و استغاثه از اموات اعتقاد داشته باشد نیز صحیح نیست که پشت سر وی نماز خوانده شود.

حالا بنا بر این شرایط چنانکه امام مسجدی دارای چنین وضعیتی بود باید در مسجد دیگری نماز بخوانید یا اینکه اگر این امکان وجود دارد امام مسجد را تغییر دهید و فرد دیگری را که تابع کتاب و سنت است و مرتکب شرک نمی‌شود را بعنوان امام تعیین نمایید، در غیر اینصورت بهتر است به مسجد دیگری رجوع فرمایید، ولی طوریکه در فوق یاد آور شدیم : اگر مسجد دیگر از محل سکونت و شهر شما بسیار دور است که رفتن بدانجا برای تمامی نمازها خیلی سخت باشد می‌توانید در خانه با اعضای خانواده خود بصورت جماعت نماز بخوانید.

مراعت کردن حال مقتدیان در نماز جماعت:

مراعت کردن حال مقتدیان در نماز جماعت از موضوعاتی است که امام جماعت باید جدأ

امام و نقش آن در جامعه

به آن توجه و اهتمام فرماید .

امام باید بادر نظر داشت وضع مقتدیان خویش (پیران ، مریضان ، اطفال و زنان) کوشش کند که عجله بخرچ ندهد و با طمأنینه و آرامش خاص نماز را انجام دهد ، که رکوع و سجود را طولانی نسازد ، امام اندکی درنگ بکند تا مقتدیان به رکوع یا سجود و یا تشهد برسند .

حضرت از انس (رض) در حدیثی میفرماید : « هیچ نمازی را مانند نماز رسول صلی الله علیه وسلم کوتاه و در عین حال کامل ندیده ام . »

ولی به همه حال بر امام و همچنین بر تمام کسانی که بر امانت بزرگ امامت گمارده می شوند واجب است که جنبه‌ی سنت را در آن مراعات کنند و پیرامون آن تسلیم کسی نشوند . البته هرگاه ضرورت و نیاز ایجاد کند اشکالی ندارد که امام نمازش را مختصر کند ، آن گونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم هم این کار را می کرد ولی در احوال عمومی التزام به سنت مقتضی امامت است .

بنابراین بر انجام سنت متعهد باش و به مردم بگو ، اگر بر این عمل صبر کنند ثواب صابران را احراز خواهند نمود . ولی چنانچه امام تخفیف و تطویل را به سلاقی افراد واگذار کند قطعاً امت اسلامی به فرقه‌ها و گروه‌های مختلف تقسیم می شود و نباید نادیده گرفت که حتی حدود وسط نیز نزد بعضی‌ها تطویل محسوب می شود . پس روش سنت را بر خود لازم بگیر و آن روش معروف و شناخته شده است .

شیخ ابن عثیمین مینویسد که : بنابراین به تمام کسانی که امامت مسلمین را در مساجد به عهده دارند نصیحت می کنم که به خواندن آنچه که علماء در مورد روش نماز پیامبر اسلام نوشته اند حریص باشند ؛ از جمله کتاب (الصلاة) و کتاب (زاد المعاد فی هدی خیر العباد) از ابن قیم ، که از کتابی مشهوری اند مطالعه فرمایند . (شیخ ابن عثیمین - کتاب الدعوة 2/90) (5) ، (91) .

متابعت از امام :

طوری که قبلاً یاد آور شدیم بر مقتدیان است که : نباید قبل از امام سر خویش را از سجده بالا نماید طوری که در حدیثی از حضرت ابی هریره - رضی الله عنه خواندیم : « إنما جعل الإمام ليؤتم به . فلا تختلفوا عليه . فإذا كبر فكبروا ، وإذا ركع فاركعوا . وإذا قال : سمع الله لمن حمده ، فقولوا : ربنا ولك الحمد . وإذا سجد فاسجدوا . وإذا صلى جالساً فصلوا جلوساً أجمعون »

هكذا حضرت بی بی عائشة رضی الله عنها در حدیثی فرمود : « صلی رسول الله - صلی الله علیه وسلم فی بیته وهو شاک ، صلی جالساً ، و صلی وراء قوم قیاما ، فأشار إليهم : أن اجلسوا لما انصرف قال إنما جعل الإمام ليؤتم به ، فإذا ركع فاركعوا ، وإذا رفع فارفعوا ، وإذا قال : سمع الله لمن حمده فقولوا : ربنا لك الحمد ، وإذا صلى جالساً فصلوا جلوساً أجمعون » .

همچنان در حدیثی از عبد الله بن یزید الخطمی الأنصاری رضی الله عنه روایت شده که فرمود : « قال : حدثني البراء ، وهو غير كذوب - قال : كان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - إذا قال : سمع الله لمن حمده : لم يحن أحد منا ظهره حتى يقع رسول الله - صلی الله

امام و نقش آن در جامعه

علیه وسلم - ساجدا ، ثم نقع سجودا بعده» .
عن أبي هريرة ، رضي الله عنه ، أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال : « إذا أمن الإمام فأمنوا ، فإنه من وافق تأمينه تأمين الملائكة : غفر له ما تقدم من ذنبه» .
عن أبي هريرة رضي الله عنه : أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال : «إذا صلى أحدكم للناس فليخفف فإن فيهم الضعيف والسقيم وذا الحاجة ، وإذا صلى أحدكم لنفسه فليطول ما شاء» .

اشکال مطابعت از امام در نماز :

متابعت از امام در نماز اساساً بر دو شکل باید صورت پذیرد.

1- متابعت در افعال

2- متابعت در گفتار

در شرع اسلامی تاکید بعمل آمده که مقتدی نباید در افعال نماز از امام پیشی گیرد .
طوری که موضوع در روشنی احادیث بتفصیل بیان گردید ، مقتدی نباید قبل از امام به رکوع رود ، نباید قبل از امام به سجده رود و یا قبل از امام سلام بگردان بهتر و احسن آنست که این اعمال بعد از امام صورت گیرد .
ولی مقتدی در شرع اسلامی مکلف نیست که در امور و یا بخش گفتار از امام متابعت کند بطور مثال در خواندن سوره فاتحه ، تزید در انکار رکوع و تزید در انکار سجده و دعای های تشهد .

اقتدا به امام نشسته:

اگر امام (به دلیل ناتوانی یا مریضی) در حال نشسته نماز خواند بر مقتدی ها است که : باید پشت آن اقتدا کند و با او بنشیند و نماز را نشسته بجاء آرد .
در حدیثی از حضرت انس (رض) آمده است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم از اسب افتاد و طرف راست بدنش زخمی شده ، برای عیادت او به خانه اش رفتیم که وقت نماز فرا رسید . پیامبر صلی الله علیه وسلم در حال نشسته برای ما امامت کرد ، ما هم نشسته پشت سر او نماز خواندیم ، وقتی نماز تمام شد فرمود : « إنما جعل الإمام ليؤتم به ، فاذا كبر ، فكبروا ، وإذا سجد فاسجدوا ، وإذا رفع ، فارفعوا وإذا قال سمع الله لمن حمده فقولوا ربنا ولك الحمد وإذا صلى قاعدا فصلوا قعودا أجمعون » (امام برای این است که به او اقتداء شود ، پس هر وقت الله اکبر گفت ، الله اکبر بگوئید ، و هر وقت به سجده رفت سجده کنید ، و اگر بلند شد ، بلند شوید ، و وقتی گفت سمع الله لمن حمده ، بگوئید ربنا ولك الحمد و اگر نشسته نماز خواند ، شما همگی نشسته نماز بخوانید) (صحیح امام مسلم ، ۴۱۱ / ۳۰۸ / ۱) ، (صحیح امام بخاری فتح الباری ۶۸۹ / ۱۷۳ / ۲) ، (سنن ابو داود ۵۸۷ / ۳۱۰ / ۲) .

یادداشت قاعدوی :

قاعده ای کلی در امر نماز جماعت همین است که اگر :

- مقتدی يك نفر باشد باید بطرف راست امام و شان به شان او ایستاده شود .

امام و نقش آن در جامعه

- اگر تعدادی مقتدی ها بیشتر بودند در صف اول مردان ، سپس بچه ها در اخیر زن ها ایستاده شوند .

- ولی اگر مقتدی يك زن باشد ، پشت سر امام ایستاده شود .
در حدیثی از حضرت انس بن مالك آمده است : « أن رسول الله صلى الله عليه وسلم به وبأمه وأخالته، قال : فاقامني عن يمينه ، وأقام المرأة خلفنا » (پیامبر صلی الله علیه وسلم برای او و مادر یاخاله اش امامت کرد ، اورادر سمت راست خود وزن را پشت سرما قرار داد) (صحیح امام بخاری ۷۰۰ / ۱۹۲ / ۲) ، (صحیح امام مسلم ۴۶۵ / ۳۳۹ / ۱) ، (سنن ابو داود ۷۷۶ / ۴ / ۳) .

اقتدی مقیم به مسافر و برعکس:

امام مسافر در نماز های چهار رکعتی دو رکعت نماز تقصیر خویش را خوانده و سلام دهد و بگوید که من مسافر هستم ، سایرین نماز خویش را به تنهای ادامه و تکمیل نمایند .
در حدیثی از ابن عمر (رض) روایت است که : « صلى عمر بأهل مكة الظهر فسلم في ركعتين ثم قال : أتموا صلاتكم يا أهل مكة فإننا قوم سفر » (عمر برای اهل مکه نماز ظهر را امامت کرد بعد از دو رکعت سلام داد و گفت : ای اهل مکه نمازتان را تمام کنید ، ما مسافریم) (صحیح ، الارناؤط فی تحقیق جامع الاصول ۵ / ۷۰۸ ، مصنف عبد الرزاق ۴۳۶۹)

اقتدای مسافر به مقیم:

هر گاه مسافر به مقیم اقتدا کند ، نمازش را باید کامل بخواند : در حدیث شریف از ابو مجلز روایت است که گفت : به ابن عمر گفتم : « المسافر يدرك ركعتين من صلاة القوم یعنی المقيمين أتجزيه الركعتان أو يصلی بصلاتهم ؟ فضحك وقال : يصلی بصلاتهم » . (مسافر به دو رکعت نماز مقیم می رسد آیا این دو رکعت برایش کافی است ، یا همانند آنان کامل بخواند ؟) ابن عمر (خندید و گفت : همانند آنان کامل بخواند » . (الإرواء ۲۲ ، بیهقی ۱۵۷ / ۳) .

رهنمود برای قرائت امام در نماز:

قرائت توسط امام در نماز جماعت یکی از موضوعات اساسی است که باید توسط امام مراعات گردد : رهنمود شرعی برای قرائت امام در نماز جماعت قرار ذیل میباشد :

- 1- قرائت قرآن مجید در نماز به شکل صحیح واجب میباشد ، وهدف از قرائت صحیح اینست که میان همزه وعین ، ح و ه ، ذ و ض ، ظ و غیره فرق موجود باشد ولی ناگفته نباید گذاشت اگر انسان در ادای آن حرف ها مشکل داشته باشد سعی و تلاش نمائید تا خود را به دقت بودن و اداء دقیق آن خود را وارد سازد .
- 2- در دو رکعت اول نماز های فرض ، بعد از خواندن سوره فاتحه ، خواندن يك سوره ، سه آیه کوتاه یا يك آیه دراز واجب میباشد . اما در نماز های وتر ، سنت و نوافل خواندن يك سوره ، سه آیه کوتاه یا يك آیه دراز بعد از فاتحه در همه رکعت ها واجب است . اما در نماز های فرض در دو رکعت اخیر یا رکعت سوم باید تنها سوره فاتحه یا رکعت سوم باید تنها سوره فاتحه خوانده شود و بس . و بعد

امام و نقش آن در جامعه

- از ختم سوره فاتحه متصلاً رکوع ادا شود.
- 3- خواندن سوره فاتحه بر علاوه رکعت های سوم و چهارم نماز های فرض، در تمام رکعت های همه نماز ها واجب میباشد، خواه نماز فرض باشد یا واجب، نماز سنت باشد یا نفل.
- 4- در نماز اولاً خواندن سوره فاتحه و بعداً خواندن يك سوره سه آیه کوتاه یا يك آیه دراز واجب است. اگر شخصی اولاً سوره یی را بخواند و بعداً سوره فاتحه را، واجب اداء نمیگردد.
- 5- چون نماز های فجر، شام، خفتن جمعه و عیدین نماز های جهری می باشند، یعنی در نماز های شام و خفتن در دو رکعت اولی آن و در بقیه نماز های متذکره در هر رکعت آن به آواز بلند قرائت کردن واجب است، و در ماه رمضان در نماز های تراویح و وتر نیز قرائت به آواز بلند واجب میباشد، اگر گاهی در بین نمازها سهواً قرائت به آواز بلند را امام فراموش کرد لازم است در آخر نماز سجده سهو را بجا آورد ولی اگر در نماز های یادشده قصداً به آواز بلند قرائت نکرد، باید نمازش را اعاده نماید.
- 6- چون نماز های ظهر و عصر نماز های سری میباشند، از یورو بر تنها گزار و امام واجب است که آهسته و خفیه قرائت نمایند، در نماز های وتر نیز بر تنها گزار واجب است که سری و خفیه قرائت نماید.
- 7- اگر شخصی نماز قضائی (صبح، شام و خفتن) را بجا می آورد، بهتر است تا به آواز بلند قرائت کند.
- 8- سوره یی را که در رکعت اول بعد از سوره فاتحه میخوانیم، در رکعت دوم خواندن آن جایز بوده اما بهتر نمیباشد.
- 9- در نماز های سری (خفیه) نیز به صدای آهسته (خفیه) (به زبان) قرائت را خواندن ضروری و لازمی میباشد. (قابل تذکر است که: صراً خواندن قرائت در دل و یا هم حافظه کافی نبوده، و به آن نماز ادا نمیگردد.)
- 10- قبل از اتمام قرائت، به رکوع رفتن و در رکوع قرائت را تکمیل کردن، مکروه تحریمی میباشد.
- 11- در نماز های فرض، حین قرائت بعد از فاتحه، قصداً قرآن را بی ترتیب خواندن مکروه تحریمی است. مثلاً در یکی از نمازها در رکعت اول خواندن سوره «الکافرون» و در رکعت دوم خواندن سوره «الفیل» مکروه تحریمی میباشد.
- اما اگر سهواً چنین شد، مکروه تحریمی نیست. ولی در نوافل اگر قصداً نیز غیر مرتب قرائت گردد، مکروه تحریمی نمیباشد.
- 12- اگر در رکعت اول قسمتی از سوره یی خوانده شود، آنگاه کمتر از دو آیه آنرا بجا گذاشته آیه بعدی آنرا در رکعت دوم خواندن مکروه می باشد. همچنان خواندن يك سوره در رکعت اول و بعداً سوره کوتاهی را که به اندازه سه آیه می باشد گذاشته، در رکعت دوم سوره مابعدش را خواندن نیز مکروه است.

امام و نقش آن در جامعه

مثلاً در رکعت اول خواندن سوره « لَهَب » و در رکعت دوم سوره « اخلاص » را در جایش گذاشته و خواندن « سوره الفلق » مکروه می باشد. باید دانست که مراعات ترتیب در قرائت صرفاً مربوط نماز های فرض می باشد، در نماز های نفل کراهیتی در عدم ترتیب در قرائت نیست.

13- خواندن دو سوره در يك رکعت به ترتیبی که اولاً يك سوره را خوانده بعد به اندازه يك سوره یا بیشتر از آنرا در میان گذاشته و سوره دیگری را بخواند، نیز در نماز های فرض مکروه می باشد، نه در نوافل .

14- اگر شخصی به اندازه يك آیه قرآن کریم را نیز یاد نداشته باشد، مثلاً تازه به دین اسلام مشرف گردیده باشد یا جدیداً نماز را می آموزد، اولاً باید سعی نماید تا قرآن را بیاموزد، و در این میان تا زمان یاد گرفتن سوره بی، لازم است در هنگام نماز بعوض قرائت « الحمد لله » و « سبحان الله » و امثالهم را تکرار نماید.

امام دائيم و امام صاحب خانه در امامت نماز پیشقدم آند:

اگر احياناً حالتی پیش که در یک محل تعدادی از علماء و دانشمندان کثیری حضور داشته باشد، حق امامت را باید امام دائيم و یا صاحب خانه بدوش گیرد. امام مسلم در حدیثی صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده است: « لا یؤمن الرجل الرجل فی سُلْطَانِهِ ... إِلَّا بِإِذْنِهِ » (هیچ کس حق ندارد در جای مخصوص دیگری جز با اجازه ی او امامت کند). (مسلم (673) و در حدیث دیگری ابوداود نیز فرموده است: « مَنْ زَارَ قَوْمًا فَلَا یُؤْمَهُمْ رَجُلٌ مِنْهُمْ » (هر کس به زیارت و ملاقات قومی می رود نباید در نماز، آنها را امامت بدهد، بلکه فردی از خود آنها مسولیت امامت را بدوش گیرد). (مسند احمد (436/3)، (53/5)، ابوداود (596)، ترمذی (356)، ترمذی گفته است: « این حدیث حسن صحیح است. » سوال در این جا است که آیا حکم این مسئله به طور مطلق است؟ و یا اینکه در صورت موجود بودن شخصی که قرائتش از قرائت صاحب خانه خوبتر است و یا نسبت به صاحب خانه عالمتر است، آیا باز هم صاحب خانه مسولیت امامت را بدوش گیرد؟ یا این که بر او لازم است که امامت را به فرد قاری تر و عالمتر بسپارد؟

در جواب باید گفت که منظور از (سلطان) جای مخصوص فرد است؛ مانند امام دائيم و صاحب خانه. پس اینها حق دارتر هستند که در مسجد و خانه ی خود امامت کنند؛ لیکن اگر خودشان به مهمان اجازه ی امامت دهند جایز است و اگر نه؛ نباید کسی دیگر در جای او امامت بدهد، ولی اگر شخصی که قرائتش از قرائت او بهتر است موجود باشد بهتر است که او را امام کند، به دلیل عام بودن حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم که می فرماید: « یَوْمُ الْقَوْمِ أَقْرَأَهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ » (برای مردم کسی امامت کند که قرائت قرآن وی از همه بهتر است). (مسلم (673)).

خواندن نماز عقب امام تلویزیون و رادیو

امام و نقش آن در جامعه

قبل از همه باید متذکر شد که تعداد کثیری از علماء اسلامی اقامه ی نماز فرض را در مسجد بصورت جماعت فرض عین می دانند ، بناً ادای نماز باید در مسجد و آنهم باید بصورت جماعت برگزار گردد.

در حدیثی از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند : «والذی نفسی بیده لقد هممت أن أمر بحطب یحطب ثم أمر بالصلاة فیؤذن لها ثم أمر رجلاً فیؤم الناس ثم أخالف إلى رجال فأحرق علیهم بیوتهم» متفق علیه .

بخدائیکه جان من در دست اوست تصمیم گرفتم هیزم جمع کرده، سپس دستور دهم تا اینکه آذان بگویند، سپس مردی را به امامت واگذارم و بطرف مردانی روم که به جماعت حاضر نشده اند، و خانه هایشان را بر آنان آتش زنم .

همچنان در حدیثی از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است : «أتی النبی صلی الله علیه وسلم رجل أعمی فقال: یا رسول الله لیس لی قائد یقودنی إلى المسجد، فسأل رسول الله صلی الله علیه وسلم أن یرخص له فی بیته، فرخص له، فلما ولی دعاه فقال له: هل تسمع النداء؟ قال: نعم، قال: فأجب» متفق علیه .

میگویند روزی مرد نابینائی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: کسی ندارم که مرا به مسجد برساند و از آنحضرت اجازه خواست تا در خانه اش نماز بخواند، آنحضرت به او اجازه داد و وقتی آن مرد از آنجا دور شد و رفت او را صدا کرد و فرمود: آیا آذان را می شنوی؟ جواب داد بلی، فرمود: پس جواب آذان را بده، یعنی نماز را با جماعت ادا کن .

از ابن عباس روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « من سمع النداء فلم یأته، فلاصلاة له، إلا من عذر) «کسی که آذان را بشنود و به سوی آن (یعنی به مسجد» نرود، نمازش صحیح نیست مگر اینکه عذری داشته باشد) (حکم) بناً ملاحظه مینمایم که رسول الله صلی الله علیه وسلم چقدر به حضور مسلمانان در ادای نماز با جماعت تاکید و اهتمام ورزیده است .

إمام شافعی رحمة الله علیه میفرماید : « فلا أرخص لمن قدر علی صلاة الجماعة فی ترک إتیانها إلا من عذر» . (کتاب الأم للشافعی 154/1) (کسیکه می تواند به نماز جماعت حاضر شود اجازه تخلف از نماز جماعت به او نمی دهم، مگر اینکه عذر داشته باشد.)
إمام خطابی رحمة الله میفرماید : «حضور نماز جماعت در مساجد واجب است، زیرا اگر سنت بود عبدالله بن أم مکتوم که نابینا بود اولی تر بود که از آن تخلف کند، و همچنین برای کسانیکه ضعیف و نابینا هستند مانند او واجب است» .

پس بر اساس این رای بر تمامی مسلمانان بالغ مذکر واجب است که نماز های خویش را در مسجد و بصورت جماعت بخوانند مگر اینکه عذری موجه داشته باشند .

حال چگونه وبا کدم حکم و منطق رای داد شود ، که یک فرد مسلمان بالغ بدون عذر شرعی در خانه خویش بنشیند و از طریق کانال های تلویزیون و رادیو نماز جماعت را در خانه خویش بر پا دارد ، اصدار جواز فتوای در این مساله بجز فتنه و جهل چیزی دیگری شده نمیتواند .

از جانب دیگر یکی از فضایل رفتن به مسجد و نماز خواندن در آنجا اینست که شخص

امام و نقش آن در جامعه

اگر وضوء داشته باشد با هر قدمی که به سوی مسجد بر میدارد، گناهان صغیره ی او پاک می گردد، در حالیکه در منزل این فضیلت وجود ندارد و در حقیقت ماندن در منزل جز جفا در حق خود چیز دیگری شده نمیتواند. طوری که در حدیثی از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «صلاة الرجل في الجماعة تضعف على صلاته في بيته و في سوقه خمسا و عشرين ضعفا، و ذلك أنه إذا توضأ فأحسن الوضوء، ثم خرج إلى المسجد لا يخرج به إلا الصلاة، لم يخط خطوة إلا رفعت له بها درجة، و حط عنه بها خطيئة، فإذا صلى لم تنزل الملائكة تصلي عليه مادام في مصلاه، اللهم صل عليه، اللهم ارحمه، و لا يزال أحدكم في صلاة ما انتظر الصلاة» (متفق عليه.)

«نماز جماعت بیست و پنج برابر نمازی که در خانه و بازار خوانده می شود، ثواب دارد، بدان جهت که وقتی شخص به خوبی وضوء می گیرد و تنها برای خواندن نماز به مسجد رود، با هر قدمی که برمی دارد، درجه ای بالا می برود و گناهی از او بخشوده می شود، پس هنگامی که نماز خواند تا زمانی که در محل نمازش است، ملائکه بر او درود می فرستند (و می گویند) خداوندا! بر او صلوات بفرست، خداوندا! به او رحم کن، و تا زمانی که هر کدام از شما در انتظار نماز باشد گویا در نماز است.»

در حدیثی دیگری که حضرت ابوهریره (رض) روایت شده آمده است: «من غدا إلى المسجد وراح أعد الله له نزله من الجنة كلما غدا أو راح» (هر کس به مسجد رفت و آمد کند، در هر رفت و آمدی، الله (وسایل) پذیرایی ای برایش در بهشت آماده می کند.)

(متفق علیه)

همچنان مسلم از ابوموسی روایت نموده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود است: «إن أعظم الناس في الصلاة أجرا أبدهم إليها ممشى». (هر اندازه برای نماز خواندن دورتر بر وی پاداش و ثواب آن بیشتر است).

محدثین در حدیثی از امام مسلم که از جابر روایت گردیده میگویند: فضای پیرامون مسجد (النبی) خالی شده بود، بنو سلمه خواستند منازل خود را به نزدیک مسجد انتقال دهند، پیامبر صلی الله علیه و سلم از این موضوع مطلع شد و فرمود: «إنه بلغني أنكم تريدون أن تنتقلوا قرب المسجد» (به من اطلاع رسیده که می خواهید منازلتان را به نزدیک مسجد انتقال دهید؟). گفتند: بلی یا رسول الله، می خواهیم چنان کنیم. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «یا بنی سلمة دیارکم تکتب آثارکم» (ای بنی سلمه در سرزمین خود بمانید، پاداش راهی که می پیمائید برایتان نوشته می شود).

از جانب دیگر یکی از حکمت های را که دین مقدس اسلام، به حضور مسلمانان در نماز های پنجگانه در مسجد بدان تاکید میورزد اینست که: روحیه تضامن، و پیوستگی، و تآلف، و محبت، و ترابط، و اخوت و برادری، در بین مسلمانان تقویه گردد.

بنابر همین است که پروردگار با عظمت ما، برای زنده کردن چنین روحیه عبادت نماز را در یک شبانه روز پنج بار بالای مسلمانان فرض گردانید، و مطابق شرع اسلامی خواستار اقامه آن با جماعت در مساجد می باشد.

امام و نقش آن در جامعه

مسلمانان در نماز جماعت در برابر الله با خشوع و خضوع کامل ایستاده و با او مناجات می کنند، و در حکمت نماز جماعت دیده میشود که: هیچ فرقی بین فقیر و ثروتمند، امیر و مأمور، سیاه و سفید، دیده نمیشود و همگی در یک صف ایستاده میشوند. اشتراک در نماز جماعت در مسجد، طوریکه یاد آور شدیم، باعث آن میشود که برادران مسلمان با هم آلفت و مودت بگیرند و از حال مادی و معنوی همدیگر با خبر شوند، و باعث رفع بسیاری از مشکلات میگردد، و این اجتماع است که باعث سربلندی و عزت اسلام در جامعه بشری خواهد بود.

همچنین اجتماع مسلمانان در مسجد برای نماز جماعت باعث می شود خداوند برکات و رحمت خود را بر آنان نازل فرماید. و بدون شک نمازی که در منزل اقامه شود ولو اینکه بصورت جماعت باشد این ثمرات را در پی نخواهد داشت.

ما عدا از حکمت های نماز جماعت در مساجد که مختصراً در فوق بدان اشاره شد، باید گفت که یکی از شرایط درستی جماعت اینست که مأموم خارج از صف نمازگزاران قرار نداشته نباشد یعنی با صف نمازگزاران «اتصال» داشته باشد (مجموع الفتاوی 407/23)، در غیر اینصورت اقتدای او به نمازگزاران بیهوده است و نماز او باطل خواهد بود و لذا اگر در مسجد نماز جماعت برگزار شود و شخص در منزل خویش بدانها اقتدا نماید، بدلیل گسستگی که بین او و جماعت نمازگزاران وجود دارد نمازش بعنوان جماعت و حتی نماز فرادی هم حساب نمی گردد و نمازش باطل است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در مجموع الفتاوی خویش مینویسد: «نماز مأمومی که خارج از مسجد به امام اقتدا کرده یا اینکه در مسجد است ولی بین او و امام حائلی وجود دارد بشرطی درست است که با صفوف نمازگزاران اتصال داشته باشد و این امر به اتفاق ائمه ی اربعه جایز است ولی اگر بین صفی با صف دیگر دریا، یا جاده ای وجود داشت در اینصورت (چون بین صفوف فاصله ای اندک افتاده) علماء در این مورد اختلاف دارند:

- امام صاحب ابو حنیفه و در یک روایتی از امام احمد آنرا جایز و صحیح نمی داند.
- امام شافعی و امام مالک آنرا صحیح می دانند.

و لذا کسی که در منزل خویش به جماعت نمازگزاران از طریق تلویزیون اقتدا می کند(!!) بدلیل نبود اتصال با صفوف نمازگزاران، جماعت و نمازش باطل است و اصلاً عملی عبث و بیهوده انجام داده است!

پس برخی از علماء در مورد جدا شدن صفوف نمازگزاران به سبب وجود مانعی از جمله دریا و یا هم سرک و یا هم محل عبور و مرور، حکم نموده اند که: نماز کسانی که در آنطرف دریا و یا جاده بجاء آورده اند از اینکه (امام و مأمومین با هم دورند) صحیح نمی باشد، و این فتوا و حکم امام صاحب ابوحنیفه و یکی از روایتهای نقل شده از امام احمد رحمهما میباشد، ولی فتوا و حکم امام شافعی و امام مالک بر این است که نماز شان درست است. (مجموع الفتاوی 407/23 و المغنی ابن قدامه رحمه الله) هکذا امام حسن بصری رحمه الله نیز طی فتوای گفته است که اگر بین صفی با صف دیگر نهی جاری بود ایرادی بر نمازگزاران نیست. (ابن ابی شیبہ 149/2)

امام و نقش آن در جامعه

و البته علماء فرموده اند که این احکام (یعنی جواز گسستگی صفوف بدلیل وجود دریا و جاده و سرک) برای حالتی است که ممکن است باعث مشقت شود و گرنه اصل آنست که تمامی صفوف به هم نزدیک باشند و مابین آنها مانعی مانند نهر یا رهگذر عبور و مرور مردم نباشد. (صحیح الفقه السنة ابو مالک بن السید سالم)

خواننده محترم !

حال این حکم علماء در مورد وجود مانعی همانند دریا یا جاده ای که موجب گسستگی صفوف می شود، بود و لذا چون اقتدای به نماز جماعت از طریق تلویزیون قطع اتصال با صفوف نمازگزاران را در پی خواهد داشت، پس این نماز باطل است. بنابراین اقتدا به جماعت در منزل به صفوف نمازگزارانی که از طریق تلویزیون یا رادیو صورت می گیرد صحیح نیست هر چند که صدای امام را هم بشنود یا اینکه او و نمازگزاران را ببیند زیرا شرط اتصال به صفوف را رعایت نکرده است و این باعث باطل شدن نماز او می گردد.

شیخ ابن عثیمین رحمه الله میفرماید :

برای مصلین که در خارج از مسجد به جماعت اقتدا می کند، باید با صفوف نمازگزاران اتصال داشته باشد، و اگر این اتصال وجود نداشته باشد در اینصورت نماز صحیح نیست...

و ی در ادامه می افزاید : نماز در این حالت صحیح نیست زیرا اتصال وجود ندارد و این همان قول صحیح است، و لذا فتوای بعضی از معاصرین که اقتدا به جماعت را از طریق « رادیو » جایز دانسته اند (و رسالاتی برای اثبات ادعای خود نوشته اند) رد می شود، زیرا لازمه ی این فتوا آنست که ما در مساجد خویش نماز و جمعه نخوانیم! بلکه در منزل یا هر جای دیگری از طریق « رادیو » به امام مسجدالحرام اقتدا نماییم، زیرا جماعت مسجدالحرام افضلتر از هر مسجد دیگری است، با وجود اینکه در نماز پشت رادیو نه امام دیده می شود و نه مامومین، حال (اگر این فتوا را برای) تلویزیون ها (صادر می کردند که) وارد زندگی مردم شده اند و نماز جماعت مساجد را مستقیماً پخش می کنند دلیل بهتری بود! اما این ادعا (نیز) باطل است و باعث باطل شدن نماز جماعت و یا جمعه می شود، چرا که در آن اتصال صفوف وجود ندارد و این امر مخالف هدف شارع برای انجام نماز جمعه و جماعت است. (یعنی دیدار نمازگزاران و ایجاد تعاون و الفت بین همدیگر) و در ضمن کسی که از طریق رادیو (یا تلویزیون) به امام و جماعت اقتدا می کند، در حقیقت بین او و جماعت فاصله ی بسیار زیادی وجود دارد، و اصلاً این امر باعث باز شدن درهای شر خواهد شد، زیرا با این حساب کسانی که برای نماز جماعت تنبلی می کنند ادعا می کنند: « مادامیکه نماز از طریق رادیو یا تلویزیون صحیح است پس من نماز خود را در خانه ی خود با فرزندان و یا خواهران و برادران خود می خوانم یا از این نوع بهانه ها »

بنابراین راجح آنست که اقتدای به امام و جماعت در خارج از مسجد صحیح نیست مگر اینکه دو شرط زیر را داشته باشد:

- نماز گزار باید صدای تکبیر امام را بشنود.

امام و نقش آن در جامعه

- صفهای جماعت باید با هم اتصال داشته باشند.

اما در مورد شرط دیدن امام یا مامومین:

این شرط محل نظر است؛ اگر نمازگزار صدای تکبیر را بشنود و صفوف به هم متصل باشند، در اینصورت اگر دیدن امام یا مامومین (داخل مسجد) برایش میسر نبود نمازش صحیح است.

بطور مثال اگر تعداد مصلین نسبت به گنجایش مسجد زیاد گردد و جای برای ادای نماز برای همه مصلین در داخل مسجد باقی نماند، مصلین میتوانند در این صورت در خارج از مسجد در کوچه و خیابان متصل به امام اقتدا کنند، البته باید صفوف اتصال یابد و صدای تکبیر باید شنیده شود که در این صورت هیچگونه ایرادی برای نماز مصلین که خارج از مسجد نماز میخوانند، نمی باشد. (الشرح الممتع) (4 / 297 - 300). ولی حکم علماء در مورد خواندن نماز عقب امام تلویزیون و رادیو همین است که خواندن نماز پشت امام رادیو و تلویزیون نادرست و باطل میباشد. (صحیح الفقه السنة ابو مالک بن السید سالم - جلد اول - صفحه 533)

علاوه بر اینکه این امر از نظر فقهی و شرعی صحیح نیست، باید توجه داشت که مسلمانان نباید نسبت به انجام نماز جماعت در مساجد از خود تنبلی نشان دهد، و اگر عملاً دست به همچو عادت بزند مطمئناً در حق خود جفای بزرگی را مرتکب شده است. از جانب دیگر اگر قرار باشد، این امر جایز گردد، بدون شک فتنه ای بزرگی در جامعه اسلامی بوقوع می پیوندد و آن اینکه به مرور زمان مساجد مقام و منزلت خویش را اهبته اهبته از دست خواهد داد و مانند کلیسا های مسیحیان خالی از عبادتگرا خواهد شد.

از جانب دیگر اگر قرار باشد که خواندن نماز عقب امام رادیو و تلویزیون جایز گردد، افراد تنبل و سست بهانه خوبی را برای خود بدست خواهد آورده و از رفتن به مسجد و ادای نماز در نهایت سر باز خواهد زد، و شر بزرگی در جامعه بر پا خواهد شد. بناً حکم کلی علماء همین است که خواندن نماز عقب امام رادیو و تلویزیون شرعاً جواز نداشته، و این عمل مخالف عقل سلیم و شرعیت غرای محمدی میباشد.

حکم امامت ماشینی:

امامت ماشینی طوری است که صدای امام را در آله پی مانند، تیلیفون موبایل، ضبط صوت و یا هم تیپ ریکارتر و گرامافون و امثالهم ضبط و ثبت مینمایند و بعداً بدنبال همان صدا بخاطر ادای نماز جماعت اقتداء صورت میگیرد، این امامت را فقها بنام امامت ماشینی مسمی نموده و خواندن نماز را بر پشت آن جواز نمیدانند. علماء میفرمایند: باشنیدن آواز امامی از طریق امواج رادیو، تلویزیون، تیلیفون و امثال آن از فاصله دور و درازی و بدنبال آن اقتداء بخاطری ادای نماز جماعت جایز نیست.

حکم متابعت از امام در ساختمانی منفصل

اگر مسجد ظرفیت مصلین را در نماز جماعت نداشته باشد، مصلین میتوانند در بیرون مسجد و بطرف راست و چپ مسجد در اطاق های مجاور پشت سر امام نماز بخوانند،

امام و نقش آن در جامعه

بشرطیکه مصلین در سمت جلوی امام قرار نگیرند بلکه در جانب راست یا چپ یا پشت سر او بایستند، اگر چه قادر به دیدن امام نباشند؛ بنابراین عدم مشاهده‌ی امام به علت وجود موانعی چون دیوار مسجد، و یا هم پرده، و یا هم تقسیم مسجد در چند طبقه و یا هم وسایر موانع که در ساختمان مسجد وجود داشته باشد، می‌تواند مانع صحت نماز آنها بشود به شرط آن که صدایش را (اگر چه با بلندگو) بشنود.

حکم مخالفت با امام در رفع اشتباه :

موضوع رفع اشتباه امام درحین نماز یکی از موضوعات است که باید در آن دقت و توجه خاصی بعمل آید ، اگر امام احیانا مرتکب اشتباهی در نماز شود در آنصورت مأمونین و مصلین باید با گفتن «سبحان الله» بگونه ای که امام آنرا بشنود وی را متوجه سازند. و زنان باید دست بزنند.

اگر باز احیانا امام متوجه اشتباه خود نشد، در آنصورت اگر مثلا در رکعت سوم بود و برای رکعت چهارم برخواست، شما بعد از اینکه وی را متوجه می کنید منتظر خواهید بود تا شاید امام پس از تشهد برای رکعت چهارم برخیزد اگر او برخواست و سلام داد ، در این صورت باید مقتدی ها سلام ندهند و بلکه از امام جدا شوند و خود برای رکعت چهارم برخیزند و نماز خود را کامل نمایند، و همینطور اگر امام در رکعت چهارم بود ولی برای رکعت اضافی برخواست مقتدی ها بعد از اینکه وی را با گفتن سبحان الله متوجه می کند چنانکه برنگشت و برای رکعت پنجم برخواست مقتدی نباید با وی برخیزد بلکه از امام جدا می شود و خود تشهد می خواند و سلام می دهید.

زنان و اشتراک آنان در نماز جماعت

افضل و سنت برای زنان آنست که نمازهای پنجگانه خویش را در منزل شان بتهایی بخوانند، یعنی فضیلت نماز آنها در منزل از نماز خواندنشان در مسجد بیشتر و بهتر است . از ام حمید ساعدیه روایت است که او نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت : ای رسول الله من نماز پشت سر تو را دوست دارم پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «قد علمت أنك تحببین الصلاة معی و صلاتک فی بیتک خیر لک من صلاتک فی حجرته، و صلاتک فی حجرته خیر لک من صلاتک فی دارک. و صلاتک فی دارک خیر لک من صلاتک فی مسجد قومک، و صلاتک فی مسجد قومک خیر لک من صلاتک فی مسجدی». ابن خزیمه (1689).

یعنی: «می‌دانستم که تو دوست داری با من نماز بخوانی، اما نمازت در اتاقت بهتر از نمازت در حجرهات است و نمازت در حجرهات بهتر از نمازت در خانهات است و نمازت در خانهات بهتر از نمازت در مسجد قومت است و نمازت در مسجد قومت بهتر از نمازت در مسجد من است».

ولی با آنها برای زنان جایز است که به مساجد بروند و در نماز جماعت اشتراک ورزند به شرطی که از چیزهایی که شهوت برانگیز است و موجب فتنه می شود از جمله آرایش و بوی خوش ، بپوشانند . (فقه السنه ۱۹۳ / ۱) .

از ابن عمر روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « لا تمنعوا نساءکم المسجد و بیوتهن خیر لهن » (زنانان را از رفتن به مساجد منع نکنید ولی خانه

امام و نقش آن در جامعه

هایشان برای آنان بهتر است) (صحیح سنن ابو داود ۵۳۰)، (سنن ابو داود) عون المعبود ۵۶۳/۲۷۴/۲)، (أحمد فتح الربانی ۱۳۳۳/۱۹۵/۵). همچنان در حدیثی از ابو هریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله، لکن ولیخرجن وهن تفلات» (زنان را از رفتن به مساجد منع نکنید لیکن آنان، بدون استعمال خوش بوی میتوانند بیرون شوند). (صحیح سنن ابو داود ۵۲۹)، (عون المعون ۵۶۱۱/۲۷۳/۲)، (أحمد فتح الربانی ۴۱۳۲۸/۱۹۳/۵) ولی خانه هایشان برای آنان بهتر است.

جماعت مستقل زنان

جماعت مستقل زنان، که امام و مقتدی ها همه زن باشند، جایز بوده مکروه نمی باشد (علم الفقه جلد دوم صفحه ۹۲) حضرت ام ورقه بن نوفل بیان میدارد، که پیامبر صلی الله علیه وسلم بخاطر عیادت «ام ورقه» به منزل وی تشریف آورده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش مؤذنی را مقرر فرمود تا در اوقات نماز برایش آذان بگوید.

وام ورقه برای اعضای خانواده خود امامت می نمود. امامت مرد برای نماز جماعت زنان جایز است، مشروط بدانکه در جماعت يك مرد دیگر نیز موجود باشد، و یا هم در میان زنانی که نماز میخوانند، یکتا آنها محرمش باشد، مثلاً مادرش، خواهرش، یا خانمش در میان آنها موجود باشد. اما در صورتیکه مرد دیگری و یا یکی از محرماتش موجود نباشد، در آنصورت برای مرد، امامت برای جماعت زنان مکروه تحریمی است. اگر مقتدی یکنفر زن باشد، خواه بالغ باشد یا نابالغ، باید در عقب امام بایستد در کنار راست امام مانند مرد ایستاده نشود. جای زنان در نماز جماعت حکمت در چه است که مرد ها نسبت به زنان در نماز جماعت در صف اول قرار می گیرند؟ به استناد به روایات اسلامی و آداب نماز، دو نقطه در نماز بی نهایت عمده توجه انسان را بخود جلب میکند.

- 1- اجتناب از هر نوع اعمالیکه توجه انسان را به غیر الله جلب نماید.
- 2- رعایت حیا و وقار خاص در نماز.

زن جنس لطیفی است اگر بخواهیم و یا نه خواهیم، لطافت زن چشم انسان را بخود جلب میکند، بدین اساس شارعین دین برخی از سنت ها و مستحبات را در نماز وضع نموده اند، از جمله قرار دادن پاها هنگام قیام و رفتن به سجده، ابتدا گذاشتن زانو بر زمین، گذاشتن آرنج ها و شکم بر زمین، چسباندن اعضای بدن به یکدیگر در هنگام سجده و... همه این دساتیر مانع از در معرض دید قرار گرفتن بر جستگی های بدن زن، به خصوص در نماز است که با نشستن، برخاستن، قیام و قعود، رکوع و سجده همراه است و تصور این امر، بخصوص در زنانی که به طور کامل پوشیده نیستند به اسانی قابل احساس است.

همچنان این ادب، از نوع حرکت و برخورد حضرت موسی علیه السلام و دختر حضرت شعیب علیه السلام به خوبی واضح میگردد. میگویند: زمانیکه دختر حضرت شعیب علیه السلام به خواهش پدرش از حضرت

امام و نقش آن در جامعه

موسی علیه السلام او را به خانه خویش دعوت کرد ، بر اساس برخی از روایات دختر برای رهنمائی، در پیشاپیش موسی علیه اسلام در حرکت بود. زمانیکه باد بر لباس دختر می وزید ، حضرت موسی علیه السلام به دختر گفت : من پیش رو میروم و شما در عقب من در حرکت باشید ، صرف در سر دوراهی ها مرار رهنمائی کنید.

از جانب دیگر نقطه ذوقیست و پر مفهوم که در نماز باید بدان اهتمام صورت گیرد ، آن توجه انسان در نماز به ذات پروردگار است ، و هر حرکت که موجب جلب حواس انسان در نماز بغیر الله گردد ، مفهومی واقعی نماز را متزلزل می سازد .

بدین اساس پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد اهمیت صفوف در نماز جماعت فرموده اند : « خیر صفوف الرجال اولها ، وشرها آخرها وخیر صفوف النساء آخرها وشرها اولها » (بهترین) با فضیلت ترین (صفوف مردان صف اول و بدترین) کم فضیلت ترین (صفوف صف آخر است ، و بهترین صفوف زنان صف آخر و بدترین صفوف آنها صف اول است » . (صحیح امام مسلم ۶۶۰ - ۲۶۹ - ۴۵۸ / ۱) ، (سنن ابو داود ۵۹۵ / ۳۱۸ / ۲) ، (سنن ابن ماجه ۹۷۵ / ۳۱۲ / ۱) .

صفوف زنان در نماز جماعت:

قبل از همه باید گفت : اگر زنان به مساوات و هم ردیف با مردها نماز بخوانند، و ما بین آنها حائلی همانند دیوار یا شکافی وجود داشته باشد، در اینحالت همه ی مذاهب - از جمله در مذهب امام ابوحنفیه- اتفاق نظر دارند که نماز آنها صحیح است. اما آنچه که ما بین مذاهب مورد اختلاف واقع شده است، اینست که زنان بدون وجود حائل در کنار و پهلوئی مردان نماز بخوانند:

امام ابوحنفیه میگوید : در حالت بنا به شروطی - نماز سه مرد باطل می شود:

اولی: مردی که در طرف راست زن قرار گرفته باشد.

دوم : مردی که در طرف چپ زن قرار گرفته باشد.

سوم : مردی که در پشت سر زن قرار گرفته باشد.

بجز از این سه نفر، نماز بقیه مردها باطل نمی شود، زیرا این سه نفر در حکم حائلی برای بقیه مردها هستند.

در فقه حنفی شروط ابطال نماز این سه نفر عبارت است از :

1- زن بالغ باشد، یعنی به سن بلوغ رسیده و سن بلوغ نیز هفت سالگی است و یا آنکه توانایی ازدواج کردن را داشته باشد. (در مورد سن بلوغ بین علماء خلاف هست، ولی به هر حال مهم آنست که زن بالغ شده باشد).

2- نماز باید دارای رکوع و سجود باشد. (یعنی نماز جنازه نباشد).

3- نماز جماعت آنها مشترک باشد. (یعنی هر دو مرد و زن در نمازی واحد داخل شده باشند، مثلا هر دو در نماز ظهر و با امامت یک امام واحد داخل شده باشند).

بر این اساس اگر زن و مرد بدون حائلی در کنار هم باشند، ولی جماعت آنها مشترک نباشد - یعنی هر کدام در نماز جماعت جدایی باشند- نماز هیچیک از زن و مرد باطل نمی شود.

امام و نقش آن در جامعه

4- امام نیت امامت زنان را بصورت عام کرده باشد. (این شرط هم به شرط سوم مربوط می شود، زیرا اگر امام نیت امامت زنان را کرده باشد، چنانکه مردی به نماز آنها ملحق شود نمازش باطل است، زیرا او در اینحالت با جماعت آنها مشارکت جسته است). برای تفصیلات بیشتر به کتابهای «المبسوط» (183/1)، «بدائع الصنائع» (239/1)، «تبيين الحقائق» (136/1-139) مراجعه کنید.

امام شافعی امام مالک و جمهور علماء گفته اند که: اگر مردی نماز بخواند و در کنارش زنی بایستد، نماز هیچکدام از زن و مرد باطل نمی شود. المجموع (331/3). امام نووی رحمه الله خلاصه ی اختلاف مذاهب را در این خصوص چنین ذکر کرده است: «اگر مردی نماز بخواند و در کنارش زنی نماز بخواند، نماز مرد و زن باطل نمی شود، حال تفاوتی ندارد آن مرد خود امام باشد یا مأموم، و این مذهب شافعی است و امام مالک و بیشتر علماء بر این رای هستند.

و امام ابوحنیفه می گوید: اگر زن در نماز نباشد، و یا اگر در نمازی باشد که در آن با مرد مشارکت نداشته باشد، در این (دو) حالت نماز مرد و زن صحیح است. اما اگر زن در نمازی باشد که مرد با وی در آن نماز مشارکت داشته باشد - مشارکت در نزد ابوحنیفه زمانی بوجود می آید که امام نیت امامت زنان را کرده باشد - چنانچه زن در کنار مرد (بدون حائل) بایستد، در اینحالت نماز مردی که در دو طرف زن قرار گرفته اند باطل است ولی نماز زن و نماز مردی که بعد از آن مرد (یعنی مردی که نزد زن است) قرار گرفته باطل نمی شود، زیرا بین این مرد و بین زن حائلی وجود دارد (یعنی مرد پهلوی زن، حائلی بین زن و مرد پهلوی خود خواهد بود). و اگر زن در صفی باشد که جلوی مرد قرار بگیرد، در اینحالت نماز مردی که همردیف با زن ولی پشت سر وی قرار گرفته باطل است، ولی نماز مردی که پشت سر آن مرد قرار گرفته باطل نمی شود،

زیرا بین این مرد و زن حائلی وجود دارد (و حائل در اینجا همان مردی است که همردیف با زن و پشت سرش قرار گرفته)، پس اگر صف زنان پشت امام باشد و پشت صف زنان نیز صف مردها تشکیل شده باشد، در اینحالت نماز تمامی مردهایی که (در آن صف) پشت سر صف زنان قرار گرفته اند باطل است، و با قیاس (بر حالت سابق) نماز مردهایی که پشت سر صف اول مردها قرار گرفته اند باطل نمی شود، زیرا صف اول همانند حائلی بین آنها با صف زنان عمل می کند. ولی من (نووی) می گویم: از باب استحسان می بایست نماز تمامی (صفوف) مردهایی که پشت سر صف زنان تشکیل شده اند باطل شود، حتی اگر صف هم باشند، و اگر زن در پهلوی امام بایستد، نماز امام باطل خواهد شد، زیرا زن (بدون حائل) در کنار امام قرار گرفته و بر اساس مذهب ابوحنیفه اگر نماز امام باطل شود، نماز تمامی مأمومین نیز باطل خواهد شد، و با این حساب نماز خود زنان هم باطل می شود، زیرا زنان هم جزوی از مأمومین هستند.

ولی حجت این مذهب ضعیف است، و اصل بر اینست که نماز صحیح است مگر آنکه دلیل شرعی بر بطلان آن وارد شود، و آنها (احناف) چنین دلیلی ندارند و اصحاب ما (شافعیه) این مسئله (یعنی ایستادن مرد پهلوی زن) را به نماز جنازه قیاس کرده اند که در آن نماز هیچیک از زن و مرد باطل نمی شود، و خداوند متعال به صواب آگاهتر

امام و نقش آن در جامعه

است وله الحمد والنعمة والمنة , وبه التوفيق والهداية والعصمة» انتهى من المجموع (331/3) باختصار يسير.

خلاصه اینکه در مذهب حنفیه: اگر مرد و زن بالغ در نمازی اشتراک داشته باشند؛ یعنی آن نماز در یک وقت واحد و یک امام واحد داشته باشد و امام نیت امامت زن را کرده باشد، در اینحالت اگر زن بدون وجود حائل یا شکافی همردیف با مرد یا جلوتر از وی باشد، نماز مرد فاسد (باطل) است. (المبسوط لمحمد بن الحسن الشیبانی (جلد 1 صفحه 452)). در ضمن در تمامی منابعی که ما بررسی کردیم، همگی به این مسئله اشاره کرده بودند که نماز مرد باطل می شود نه نماز زن.

ولی رای راجح، همان رای جمهور علماء ست که بر طبق نظر آنها نماز مرد و زنی که در پهلوی هم و یا زن مقدم بر مرد باشد باطل نمی شود، ولی اگر مرد عمدا در پشت زن یا پهلوی وی بایستد عمل او مکروه، تنزیهی- خواهد بود، و احناف برای گفته ی خود هیچ دلیل شرعی از کتاب و سنت ندارند، و تا زمانی که دلیل شرعی موجود نباشد نمی توان حکم بر باطل شدن نماز کسی داد.

جدای از این قضیه، آنچه که مسلم است اینست که افضل و بهتر آنست که صفوف زنان در پشت صف مردها تشکیل شود، چنانکه در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز چنین بوده است.

امام بخاری و مسلم از انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده اند که « **أَنَّ جَدَّتَهُ مُلَيْكَةَ دَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلطَّعَامِ صَنَعَتْهُ لَهَا، فَأَكَلَ مِنْهُ، ثُمَّ قَالَ: «فَوُومُوا فَلَأُصَلِّيَ لَكُمْ» قَالَ أَنَسٌ: فَقُمْتُ إِلَى حَصِيرِ لَنَا، قَدْ اسْوَدَّ مِنْ طُولِ مَا لَيْسَ، فَنَضَحْتُهُ بِمَاءٍ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَفَفْتُ وَالْيَتِيمَ وَرَاءَهُ، وَالْعَجُوزَ مِنْ وَرَائِنَا، فَصَلَّى لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ انْصَرَفَ».** (380) و مسلم (658).

انس بن مالک رضی الله عنه میگوید: مادر بزرگم؛ ملیکه؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم را به صرف غذایی که برای ایشان صلی الله علیه وسلم تهیه کرده بود، دعوت نمود. رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از صرف غذا، فرمود: «بلند شوید تا برای شما نماز بخوانم». انس رضی الله عنه میگوید: بلند شدم و بسوی یکی از حصیرهایمان که از کثرت استعمال، سیاه شده بود، رفتم و مقداری آب روی آن، پاشیدم. رسول الله صلی الله علیه وسلم روی آن ایستاد. من و کودکی یتیم، پشت سر ایشان صف بستیم. و پیر زن، پشت سر ما ایستاد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دو رکعت نماز، برای ما خواند و تشریف برد.

حافظ ابن حجر رحمه الله در مورد این حدیث می گوید: « این حدیث نکات زیادی دارد... و تشکیل صف زنان پشت صف مردها، و نیز ایستادن زن به تنهایی (پشت سر مردها) اگر زن دیگری همراه وی نباشد».

واز ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « **خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أُولَاهَا، وَ شُرَاهَا آخِرُهَا وَ خَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا وَ شُرَاهَا أُولَاهَا** » «بهترین (با فضیلت ترین) صفوف مردان صف اول و بدترین (کم فضیلتترین) صفوف آنها صف آخر است، و بهترین صفوف زنان صف آخر و بدترین صفوف آنها صف اول است». (مسلم)

خواندن نماز زن به مطابعت از صدای امام :

زنی که خانه اش نزدیک مسجد است و توسط لودسپیگر صدای امام مسجد را در وقت نماز می‌شنود میتواند در پشت امام اقتدا نماید یا خیر؟
در شرع اسلامی آمده است که : اگر زن تنها صدای امام را در خانه خویش از طریق لودسپیگر می‌شنود ، خواندن نماز برایش صحیح نیست ، زیرا صدای لودسپیگر تا مسافت‌های دور می‌پیچد و چه بسا خانه اگر از مسجد دور باشد ، و در بین خانه و مسجد کوچه ها و سرگ ها حایل باشد ، در چنین حالتی برای زن جایز نیست که به امام مسجد اقتدا کند بلکه خودش به صورت انفرادی نماز بخواند ، و این برایش بهتر است .
ناگفته نباید گذاشت که اگر خانه نزدیک و متصل مسجد باشد و صدای امام را می‌شنود ، میتواند و جایز است که زن در داخل خانه به امام مسجد اقتدا کند؟
ولی اگر خانه بیرون از مسجد است و زن، امام و مقتدی‌ها را نبیند نمی‌تواند ببیند ، نمیتواند به پشت امام اقتدا کند.

نماز خواندن پشت امام در بیرون از مسجد تنها در وقت ضرورت جایز است؛ مانند تنگ بودن مسجد و عدم گنجایش آن در روز جمعه که در این صورت اگر مردم صدای امام را بشنوند می‌توانند در پارک و یا سرک به او اقتدا کنند. (مراجعه شود به: (مجموع فتاوا 1/346) ، (347).

ایستاد شدن مأموم قبل از امام :

«صحیح آنست که تقدم (جلوتر بودن) امام (در نماز جماعت) واجب است، و برای مأموم جایز نیست جلوتر از امامش بایستد، زیرا معنی کلمه « امام » یعنی جلو باشد، و مکان او باید جلوتر از مأمومین و پیشگام آنها باشد، پس جایز نیست که مأموم جلوتر از امامش نماز بخواند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم در جلوتر از صحابه رضی الله عنه نماز می‌خواند، و بر این مبنا آنکسانی که جلوتر از امام (در صف می‌ایستند) و نماز می‌گزارند، نمازشان صحیح نیست، و باید آنرا تکرار کنند، ولی برخی از اهل علم فرموده اند ، چنانچه ضرورتی پیش آید - استثناء قائل شدند، مثلا مسجد تنگ باشد و مردم مجبور شوند از راست و چپ و جلو و عقب نماز بخوانند». (مجموع فتاوی ابن عثیمین 44/13).

اما شیخ الاسلام ابن تیمیه در « الفتاوی الکبری » خود در مورد حکم نماز مأمومی که جلوتر امام قرار گرفته، سه قول از علماء نقل قول نموده است:

اول :

مطلقا صحیح است، هر چند گفته شده مکروه است، و این رأی مشهور در مذهب امام مالک، و قول قدیم شافعی است.

دوم:

مطلقا صحیح نیست، که مذهب امام ابوحنیفه و امام شافعی و مشهور در مذهب احمد است.

امام و نقش آن در جامعه

سوم:

اگر عذری در کار باشد صحیح است و گرنه صحیح نیست، مثلاً کثرت مصلین باشد و امکان نماز جمعه یا جنازه نباشد جز اینکه (ماموم) جلوتر از امام قرار گیرد، نماز او در اینحالت بهتر از است از اینکه نمازش را ترک کند.

و (این قول سوم) رای گروهی از علماء و در مذهب احمد و غیره است، و متعادلترین اقوال و راجح بین آنهاست، زیرا جلو قرار نگرفتن از امام نهایتاً واجب از واجبات نماز جماعت است، و همه واجبات با وجود عذر ساقط می‌شوند هر چند واجب در اصل نماز باشد، پس واجب جماعت (با وجود عذر) اولاًتر است به ساقط شدن، و برای همین اگر نمازگزار از قیام و قرائت و پوشش و طهارت و غیره عاجز بماند، وجوب آن از دوش وی ساقط می‌شود.

و همچنین در نماز خوف که استقبال قبله واجب نیست.

منظور اینست که: جماعت بر حسب امکان انجام می‌شود، اگر برای ماموم ممکن نباشد جز اینکه جلوتر از امام قرار گیرد، نهایت آن اینست که به دلیل جماعت ناچار شده موقوف (صحیح خود نسبت به امام) را ترک کند، و این بهتر از ترک (جماعت) است، و شبیه این حالت، در مورد نهی از تنها قرار گرفتن در پشت صف (یا امام) است، که در آنصورت اگر کسی نباشد که با او صف تشکیل دهد یا کسی را به سمت خود جذب نکند که با او تشکیل صف دهد، خودش تنهایی پشت صف بایستد و نماز بخواند و جماعت را ترک نکند، همانطور اگر زن، زن دیگری را نیابد که با او صف تشکیل دهد، خودش تنهایی پشت صف بایستد، و این به اتفاق ائمه جایز است، و او تنها به این امر شده که در صورت امکان در صف بایستد نه در وقت عجز و ناتوانی از قرار گرفتن در صف» (الفتاوی الکبری) (2 / 331 - 333).

محل ایستاده شدن اطفال در نماز جماعت :

عالم شهیر جهان اسلام شیخ عبد العزیز ابن باز در مورد اشتراک اطفال در نماز جماعت و ایستاده شدن آنها در صفوف جماعت میفرماید: «لازمست اطفال را بر ادای نماز تشویق کرد نه اینکه وی را از نماز متنفر ساخت، پس هرگاه در صف اول یا دوم جا گرفتند، شایسته نیست (بیرونشان کرد) و یا هم در مکان واحدی جمعشان نمود، زیرا اولاً این کار موجب تنفر آنها از آمدن به نماز می‌شود، و ثانیاً موجب بازی کردن و مشغول کردن سایر نمازگزاران به خودشان می‌شود، لذا برای اهل مسجد شایسته نیست چنین کاری کنند؛ بلکه شایسته است آنها را در صفهای جداگانه قرار دهند تا از یکدیگر دور باشند تا مبدا بازی کنند و نمازگزاران را انزیت کنند، و اگر یکی از آنها (زودتر از بقیه) وارد صف اول شد نباید وی را بیرون کرد، زیرا او از دیگران سبقت جسته و لذا به آن شایسته تر است، والله المستعان». (تفصیل موضوع را میتوان در: فتاوی نور علی الدرب» (921/2). مطالعه فرماید).

نماز جماعت واجب است یا سنت :

در مورد اینکه نماز جماعت واجب است یا سنت بین علمای اسلام در این مورد اختلاف نظر دارند:

امام و نقش آن در جامعه

- 1- بعضی از علماء گفته اند که نماز جماعت بر مردها فرض عین است و هرکس صدای آذان را بشنود، بشرطیکه فاصله مسجد خیلی دور نباشد، بر او فرض و واجب است حتماً به جماعت برود وگرنه بشدت گناهکار خواهد شد. و این رأی ابن مسعود و ابوموسی اشعری رضی الله عنهما و نیز نظر عطاء و اوزاعی و ابو ثور و احمد و ابن حزم و شیخ الاسلام رحمهم الله نیز است.
 - 2- اما بعضی دیگر علماء گفته اند که نماز جماعت فرض کفایی است، یعنی اگر گروهی از مسلمانان جماعت برگزار نمایند، فرضیت جماعت از دوش دیگر مسلمانان ساقط می شود، و این رأی امام صاحب شافعی رحمه الله است.
 - 3- و بعضی دیگر از علماء از جمله (امام صاحب ابوحنیفه و امام مالک) نیز فرموده اند که نماز جماعت سنت مؤکده است، یعنی از سنتهایی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم تاکید زیادی بر انجام آن داشتند و هرگز آنرا ترک نکردند، تاجائیکه می فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِحَطْبِ فَيُحْتَطَبُ، ثُمَّ أَمَرَ بِالصَّلَاةِ فَيُؤْتَنَ لَهَا، ثُمَّ أَمَرَ رَجُلًا فَيُؤَمِّمُ النَّاسَ ثُمَّ أُخَالِفُ إِلَى رَجَالٍ فَأَحْرَقَ عَلَيْهِمْ بَيْوتَهُمْ» (متفق عليه) یعنی: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، قصد کردم که امر کنم هیزم جمع نمایند و سپس به برپا شدن نماز دستور دهم که برای آن آذان گفته شود و بعد کسی را مأمور سازم که به مردم امامت دهد و سپس از آنها تخلف ورزم و به خانه کسانی روم که به نماز بیرون نشده اند و خانه های شان را بر سرشان بسوزانم.
- اما چه نماز جماعت فرض عین باشد یا فرض کفایی یا سنت مؤکده، یک مرد مسلمان باید برای انجام جماعت ترغیب باشد، به چند دلیل:
- اول اینکه:**

اجر زیاد و بزرگی دارد، و کسی که این اجر را از دست بدهد او در خسران و زیان است، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صلاة الرجل في الجماعة تضعف على صلاته في بيته و في سوقه خمسا و عشرين ضعفا، و ذلك أنه إذا توضع فأحسن الوضوء، ثم خرج إلى المسجد لا يخرج إلا الصلاة، لم يخط خطوة إلا رفعت له بها درجة، و حط عنه بها خطيئة، فإذا صلى لم تنزل الملائكة تصلي عليه مادام في مصلاه، اللهم صل عليه، اللهم ارحمه، و لا يزال أحدكم في صلاة ما انتظر الصلاة». متفق عليه

یعنی: «نماز جماعت بیست و پنج برابر نمازی که در خانه و بازار خوانده می شود، ثواب دارد؛ بدان جهت که وقتی شخص به خوبی وضوء می گیرد و تنها برای خواندن نماز به مسجد رود، با هر قدمی که برمی دارد، درجه ای بالا می برود و گناهی از او بخشوده می شود، پس هنگامی که نماز خواند تا زمانی که در محل نمازش است، ملائکه بر او درود می فرستند (و می گویند) خداوندا! بر او صلوات بفرست، خداوندا! به او رحم کن، و تا زمانی که هر کدام از شما در انتظار نماز باشد گویا در نماز است».

دوم اینکه:

سنت پیامبرمان صلی الله علیه وسلم این بوده که همیشه نماز جماعت خوانده، پس کسی که بر سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم حریص باشد، خدای متعال وی را دوست داشته و نور ایمان و هدایت در قلبش می اندازد، و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سَبْعَةٌ

امام و نقش آن در جامعه

يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ.. وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مَعْلُقٌ بِالْمَسَاجِدِ..» متفقٌ عليه.
یعنی: «هفت نفر هستند که خداوند در روزی که جز سایه‌ای او سایه‌ای نیست، ایشان را در سایه‌ی خود پناه می‌دهد. که یکی از آن هفت مورد - مردی است که دلش به مسجد وابسته است.»

و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنَا سُنْنَ الْهُدَى؛ وَإِنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي يُؤَدَّنُ فِيهِ» مسلم .
یعنی: پیامبر صلی الله علیه وسلم راه‌های هدایت را به ما تعلیم فرمود و از جمله راه‌های هدایت، نماز جماعت در مسجدی است که در آن آذان گفته شود.
سوم اینکه:

یکی از اهداف برگزاری جماعت این است تا مسلمانان با همدیگر جمع شده و روحیه برادری و اتحاد در بین آنها تقویت شود، تا همیاری و نوع دوستی در بینشان رشد کند و مشکلات جامعه کم و کمتر شود، پس اگر قرار باشد هرکس در منزل بتهایی نماز بخواند، یکی از شعائر دین اسلام تعطیل خواهد شد.

از ابودرداء رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تَقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ. فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذَّنْبُ مِنَ الْعَنَمِ الْقَاصِيَةَ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

یعنی: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «هر سه نفری که در روستا یا بیابانی (بادیه) باشند و در میان آنان نماز جماعت اقامه نشود، حتماً شیطان بر آنها غلبه و قدرت پیدا خواهد کرد، پس بر شماست که جماعت را رعایت کنید! زیرا گرگ، تنها گوسفند دور از گله را می‌خورد.»

یادداشت :

افضل و سنت برای زنان آنست که نمازهای فرض را در منزل بتهایی بخوانند، یعنی فضیلت نماز آنها در منزل از نماز خواندنشان در مسجد بیشتر است.

از ام حمید ساعدیه روایت است که او نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت : ای رسول خدا من نماز پشت سر تو را دوست دارم پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «قد علمت أنك تحبين الصلاة معي و صلاتك في بيتك خير لك من صلاتك في حجرتك، و صلاتك في حجرتك خير لك من صلاتك في دارك. و صلاتك في دارك خير لك من صلاتك في مسجد قومك، و صلاتك في مسجد قومك خير لك من صلاتك في مسجدی.» ابن خزيمة (1689).

یعنی: «می‌دانستم که تو دوست داری با من نماز بخوانی، اما نمازت در اتاقت بهتر از نمازت در حجرهات است و نمازت در حجرهات بهتر از نمازت در خانهات است و نمازت در خانهات بهتر از نمازت در مسجد قومت است و نمازت در مسجد قومت بهتر از نمازت در مسجد من است.»

نکته: نماز جمعه بر تک تک مردهای بالغ فرض عین است، و اختلافی ما بین علمای مذاهب در فرض بودن آن بر مردها وجود ندارد، پس هرکس تخلف ورزد به اجماع امت

امام و نقش آن در جامعه

او گناهکار است.

فواید و مصالح نماز جماعت

- آشنایی اهل مسجد و مسلمانان با همدیگر.
- تعاون و همیاری با یکدیگر.
- سفارش نمودن همدیگر به حق و صبر نمودن بر آن.
- تشویق افراد متخلف از جماعت به شرکت در نماز.
- آموزش کسانی که نماز خواندن بلد نیستند.
- خشمگین ساختن منافقان (تا نفاق خود را بروز دهند) و مسلمانان از مسیر آنان دوری جویند.

- اظهار شعایر دین الله در میان بندگانش.

- دعوت به سوی دین الله با گفتار و عمل و...

فضیلت نماز جماعت در خانه یا مسجد؟

در این هیچ جای شک نیست که شرکت و خواندن نماز در جماعت بعنوان مأموم **افضلتر و بهتر است، زیرا:**

اولا: بسیاری از علماء گفته اند که بر مرد مسلمان واجب است که در مسجد همراه با امام نماز بخواند، ترک این واجب حرام است و او مرتکب گناه می شود.

دوما: نماز جماعت برای زنان واجب و حتی مستحب هم نیست.

سوما: امامت کردن برای زنان یا حتی مردان فضیلت خاصی ندارد.

چهارم: قدم برداشتن به سوی مسجد به قصد ادای نماز جماعت، موجب کفاره گناهان صغیره است، چنانکه در حدیثی از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «... إذا توضأ فأحسن الوضوء، ثم خرج إلى المسجد لا يخرج إلا الصلاة، لم يخط خطوة إلا رفعت له بها درجة، وحط عنه بها خطيئة، فإذا صلى لم تنزل الملائكة تصلي عليه مادام في مصلاه، اللهم صل عليه، اللهم ارحمه، و لا يزال أحدكم في صلاة ما انتظر الصلاة» یعنی: «... وقتی شخص به خوبی وضوء می گیرد و تنها برای خواندن نماز به مسجد رود، با هر قدمی که برمی دارد، درجه ای بالا می برود و گناهی از او بخشوده می شود، پس هنگامی که نماز خواند تا زمانی که در محل نمازش است، ملائکه بر او درود می فرستند (و می گویند) خداوندا! بر او صلوات بفرست، خداوندا! به او رحم کن، و تا زمانی که هر کدام از شما در انتظار نماز باشد گویا در نماز است». واضح و معلومدار است شخصیکه می خواهد بنام خواندن نماز جماعت در خانه از این فضیلت ها محروم می گردد.

بنابراین بهتر است که هرگاه مومن صدای آذان را شنید خود را به مسجد رسانیده و همراه ای سایر مامومین نماز جماعت را اداء نماید و زنان میتوانند نماز خویش در منزل بجاء آرند.

حکم اقامه در نماز جماعت:

خواننده محترم!

مستحب است بعد از اینکه آذان به اتمام رسید، و قبل از وارد شدن به نمازهای فرض،

امام و نقش آن در جامعه

اقامه خوانده شود و اقامه بصورت زیر است:
«الله أكبر الله أكبر، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمداً رسول الله، حي على الصلاة
حي على الفلاح، قد قامت الصلاة قد قامت الصلاة، الله أكبر الله أكبر، لا إله إلا الله»
و مستحب است کسی که اقامه را می‌شنود آنچه را که مؤذن می‌گوید تکرار کند. البته در
هنگام شنیدن « **حي على الصلاة** » و « **حي على الفلاح** » باید گفت: « **لا حول ولا
قوة إلا بالله** » و باتفاق علماء (فقهاء) اقامه را میتواند در قدم نخست مؤذن و یا
شخصی دیگری بخواند ولی بهتر نزد اکثر اهل علم همین است که: مؤذن، خود
اقامه را بگوید. ولی حکم همین است که اقامه همانند آذان، برای ادای نماز جماعت
فرض کفایه است، یعنی از میان جماعت نمازگزار باید یک نفر قبل از شروع نماز اقامه
بخواند، اما برای نماز تنهایی، خواندن اقامه واجب نیست بلکه مستحب است که اقامه شود
پس اگر احیاناً انجام نشد، ایرادی بر نماز فرد وجود نخواهد داشت.

علماء می‌فرمایند: « آذان و اقامه در یک منطقه فرض کفایه است، اما اگر کسی از روی
فراموشی یا جهل (نسبت به حکم آنها) یا هر دلیل دیگری داخل نماز شد، نمازش صحیح
است. » فتاوی الجنة الدائمة (54/6).

شیخ ابن عثیمین می‌گوید: « دلیل بر فرض بودن آنها (آذان و اقامه): امر پیامبر صلی
الله علیه وسلم به آذان و اقامه در چندین حدیث است، و ایشان در حضر و سفر آنرا ترک
نکردند، و از طرفی علم به وقت نماز غالباً جز از طریق آنها حاصل نخواهد شد، و آنها
جزئی از شعائر ظاهری اسلام هستند. (الشرح الممتع (38/2)). »

بنابراین هر چند که اقامه برای نماز جماعت در منطقه ای فرض کفایه باشد، اگر به هر
دلیلی ترک شود، خود نماز صحیح است زیرا اقامه برای صحت نماز شرط نیست، ولی
چون ترک فرض شده است همگی گناهکار خواهند شد. اما در نماز تنهایی اگر عمداً هم
ترک شود، مانعی ندارد زیرا اقامه و آذان برای کسی که تنها نماز می‌خواند سنت است
نه واجب.

یادداشت :

اگر کسی به علت خواب یا فراموشی، نمازش را (در وقت خود) نخواند، شرعاً می‌تواند
هنگام قضای آن آذان و اقامه بگوید؛ بدلیل آنچه که ابوداود در ماجرای به خواب ماندن
پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش در سفر و خواندن نماز صبح (در وقت) روایت
کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم به بلال دستور داد تا برای (قضای) آن آذان و اقامه
بگوید. ابوداود (2/106/432).

و اگر چند نماز را از دست داده بود کافی است که یک آذان بگوید ولی برای هر نماز
اقامه کند؛ به دلیل حدیث ابن مسعود که گفت: «إن المشرکین شغلوا رسول الله صلی الله
علیه وسلم عن أربع صلوات يوم الخندق، حتى ذهب من الليل ما شاء الله، فأمر بلالاً فأذن،
ثم أقام فصلى الظهر، ثم أقام فصلى العصر، ثم أقام فصلى المغرب ثم أقام فصلى العشاء
« **روز جنگ خندق، مشرکین، پیامبر صلی الله علیه وسلم را از چهار نماز مشغول
داشتند تا آنچه خداخواست از شب سپری شد. آنگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم به بلال
دستور داد که آذان بگوید، بلال آذان گفت و سپس اقامه کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم**

امام و نقش آن در جامعه

نماز ظهر را خواند، سپس بلال برای خواندن نمازهای عصر، مغرب و عشاء هم اقامه را تکرار کرد». ترمذی (1/115/179)

دیر رسیدن به نماز جماعت:

هرگاه شخصی دیر به نماز جماعت برسد، حکم شرع همین است که: باید در هر حالتی که نمازگزاران قرار داشتند، او نیز قرار بگیرد. مثلاً اگر در سجده بودند او نیز پس از اینکه نیت نماز جماعت مینماید بدون تاخیر به سجده برود یا اگر نمازگزاران در رکوع یا تشهد بودند او نیز به رکوع یا تشهد رفته و خود را به نماز جماعت شریک سازد. زیرا دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم همین میباشد.

در حدیثی از حضرت علی بن ابی طالب و معاذ بن جبل روایت است که گفتند: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ الصَّلَاةَ وَالْإِمَامَ عَلِيَّ حَالٍ فَلْيَصْنَعْ كَمَا يَصْنَعُ الْإِمَامُ» (ترمذی) «هرگاه یکی از شما برای نماز (به مسجد) آمد، امام را در هر حالتی دید، به او اقتدا کند».

بعد به هر تعداد رکعت که باقی مانده بود، با جماعت نماز خوانده و آن مقدار رکعت نیز برای وی محسوب می شود و پس از آنکه امام سلام داد و نماز را تمام کرد، او نباید سلام دهد بلکه بایستی بلند شود و تعداد رکعات باقی مانده را خود به تنهایی ادامه و ادا کند.

اگر هنگامیکه به جماعت رسید و دید که بقیه در رکوع هستند، و او نیز موفق شد که در رکوع با جماعت همگام شود (یعنی رکوع را نیز با جماعت ادا کند) در اینصورت آن رکعت برای وی محسوب شده هر چند که فاتحه را نخوانده است.

ولی اگر در سجده به نمازگزاران برسد (یا در حالت قیام بعد از رکوع) رکعتی برایش محسوب نمی شود و باید پس از سلام دادن امام آن رکعت را نیز بخواند.

زیر در حدیثی حضرت ابوهریره آمده است: «إِذَا جِئْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ وَنَحْنُ سَجُودٌ فَاسْجُدُوا وَلَا تَعْدُوهَا شَيْئًا وَمَنْ أَدْرَكَ الرُّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ» (هرگاه به نماز آمدید و ما را در سجده یافتید، سجده کنید و آن را یک رکعت بحساب نیاورید و کسی که امام را در رکوع دریابد و به رکوع برود، برایش یک رکعت بحساب می آید).

مثلاً فرض نمایید شخصی زمانی وارد مسجد می شود که نمازگزاران یک رکعت نماز (ظهر) را خوانده اند و حال در رکعت دوم به حالت رکوع می روند، اگر آن شخص موفق شود پس از نیت قلبی در رکوع (رکعت دوم) به نمازگزاران بپیوندد و رکوع با آنها باشد، در اینصورت آن رکعت (یعنی رکعت دوم نمازگزاران) برای وی بعنوان رکعت اول است. بعد امام به سجده رفته و تشهد اول نماز را می خواند، شخص نیز باید تشهد را

بخواند (هر چند او در رکعت اول است) بعد امام بلند شده و رکعت سوم و چهارم را خوانده و سلام می دهد، او نباید سلام دهد و باید برخیزد و رکعتی دیگر بخواند زیرا تا الان او فقط سه رکعت نماز خوانده و لازمست رکعت چهارم را خود به تنهایی ادا نماید، بعد که برای رکعت چهارم خود بلند شد و به سجده رفت، تشهد می خواند و او نیز سلام داده تا نمازش تمام می شود.

ولی اگر او زمانی به نمازگزاران می رسد که موفق نمی شد به فاتحه (مثلاً رکعت دوم)

امام و نقش آن در جامعه

یا رکوع نمی رسید بلکه هنگام سجده بدانها ملحق شده، در اینصورت او می بایست پس از سلام امام در پایان نماز جماعت، برخیزد و دو رکعت نماز بخواند.

یادداشت حکمی :

اگر نمازگزاری در نماز چهار رکعتی در رکعت دوم به جماعت ملحق میشود و اشتباها با امام سلام میدهد، آیا شخص باید نمازش را بطور کامل از نو بخواند یا اینکه بلند شود و باقیمانده نمازش را تکمیل کند؟

اگر شخصی به رکعت اول و یا دوم و یا سوم نماز جماعت نرسد و اشتباها با امام سلام دهد، اگر چه حتی صحبت نیز کرده باشد، باید بلند شود و بقیه نمازها را بخواند، و سپس بعد از اینکه نمازش را تمام کرد و سلام داد باید دو سجده سهو را ادا کند، بدلیل

روایت ابوهریره رضی الله عنه که گفت:

« أن رسول الله صلى الله عليه وسلم انصرف من اثنتين، فقال له ذواليدین : أقصرت الصلاة أم نسيت يا رسول الله؟ قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: أصدق ذواليدین؟ فقال الناس : نعم فقام رسول الله صلى الله عليه وسلم فصلی اثنتين أخريين ثم سلم، ثم كبر فسجد مثل سجوده أو أطول، ثم رفع» (متفق عليه)، «پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از خواندن دو رکعت سلام داد. ذوالیدین به او گفت : ای رسول الله آیا نماز را کوتاه کردی یا فراموش کردی؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود : آیا ذوالیدین راست می گوید؟ مردم گفتند : بله، پیامبر صلی الله علیه و سلم بلند شد و دو رکعت دیگر نماز خواند و سلام داد، سپس الله اکبر گفت و مانند سجده های دیگرش یا طولانی تر از آنها سجده برد سپس سرش را بلند کرد.»

ترتیب جماعت دونفری :

در این شک نیست که جماعت دو نفر صحیح است. و در شرع کمترین عدد برای نماز جماعت دو نفر میباشد و میتوانند با هم نماز جماعت بخوانند. اگر دو نفر مرد بودند باید یکی از آنها امام شود و دیگری بعنوان ماموم در سمت راست وی و برابر وی بایستد و اگر زن ماموم بود باید پشت سر مرد بایستد و اگر یک نفر دیگر به آنها اضافه شد باید آن دو نفر به عقب بروند ولی اگر یک نفر زن به دونفر مرد اضافه شدند، مرد در سمت راست امام و زن در پشت سر آنها باید قرار گیرد. در فقه السنه سید سابق آمده است: « اگر یکنفر همراه امام باشد جماعت تشکیل می شود، اگر چه آن یکنفر طفل جوان یا زن باشد.

در حدیثی از ابن عباس روایت است که: « شبی در منزل خاله ام « میمونه » ماندم، شب پیامبر صلی الله علیه و سلم برخاست که نماز شب را بخواند، من نیز برخاستم که با وی نماز بخوانم و در طرف چپ ایشان ایستادم، که سر مرا گرفت و مرا در طرف راست خود قرار داد » (به روایت جماعت محدثین).

همچنان در حدیثی ابوسعید و ابوهریره گفته اند که، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « من استيقظ من الليل فأيقظ أهله فصليا ركعتين جميعا كتب من الذاکرين الله كثيرا والذاکرات » (هر کس در شب بیدار شد و زنش را نیز بیدار کرد و به جماعت دو رکعت نماز خواندند، از جمله مردان و زنانی که بیاد خدا هستند و در آن

امام و نقش آن در جامعه

آیه از آنها سخن رفته است، به حساب می‌آیند) (به روایت ابوداود.)
از ابوسعید روایت است که: «مردی به مسجد آمد، چون پیامبر صلی الله علیه و سلم با یاران خود نماز خوانده بود، فرمود: «من یتصدق علی ذا فیصلی معه؟» (کیست که بر این مرد صدقه کند و با وی نماز جماعت بخواند؟)، یکی برخاست و با وی نماز خواند». به روایت احمد و ابوداود و ترمذی که آن را «حسن» دانسته است. و ابن ابی شیبیه گفته است که: ابوبکر صدیق بود که با وی نماز خواند. ترمذی بدین حدیث استدلال کرده بر اینکه اگر در مسجدی، قبلاً نماز جماعت خوانده شده بود، گروهی دیگری نیز جماعت اول را نرسیده اند، می‌توانند در آن مسجد نماز جماعت برپا دارند. او گفته است که رای احمد و اسحاق نیز چنین است. و گروهی دیگر از اهل علم از جمله سفیان و مالک و ابن المبارک و شافعی می‌گویند: بعد از اقامه نماز جماعت در مسجدی، گروهی دیگر نمی‌توانند نماز جماعت را بیای دارند، بلکه بطور انفرادی نماز خود را بخوانند. - (اما تعدد جماعت، در زمان واحد و مکان واحد بدون اختلاف حرام است و با فلسفه نماز جماعت منافات دارد) «
و نیز آورده است: «مستحب است که ماموم اگر یکنفر باشد در طرف راست امام و اگر دو نفر یا بیشتر باشند پشت سر او بایستند. چون از جابر روایت است که: «پیامبر صلی الله علیه و سلم برخاست که نماز بخواند و من در طرف چپ ایشان ایستادم و او دست مرا گرفت و مرا چرخاند تا اینکه در طرف راست خود قرار داد، سپس جابر بن صخر آمد و او در طرف چپ ایشان ایستاد، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و سلم دست هر دوی ما را گرفت و ما را به عقب کشاند تا اینکه پشت سر خود جای داد.» به روایت مسلم و ابوداود.
اگر زنی به نماز جماعت آمد، باید او تنها پشت سر مردان بایستد و در صف مردان قرار نگیرد، اگر آن زن آمد در صف مردان جای گرفت به رای جمهور علماء نمازش صحیح است.
در حدیثی دیگر از انس ابن مالک روایت شده است که مادر بزرگش «ملیکه» پیامبر صلی الله علیه و سلم را به خوراکی که آماده کرده بود دعوت کرد و از آن خورد و سپس گفت: بلند شوید تا نماز را برپا داریم. انس گفت: من حصیر خود را که بعلت کهنگی سیاه شده بود آب بر آن پاشیدم و سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم روی آن (برای نماز) ایستاد و من و یتیم (ضمیر بن سعد الحمیری) پشت سر پیامبر صلی الله علیه و سلم ایستادیم و پیرزن (مادر سلیم) پشت سر ما ایستاد، و سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم دو رکعت نماز خواند و رفت.

یادداشت :

در روایات اسلامی آمده است: عروس و داماد هنگام شب عروسی خویش می‌توانند دو رکعت نماز با جماعت را برپا دارند، ولی عروس باید پشت سر داماد ایستاده شود نه همدیف با او.

تفاوت زنان و مردان در نماز جماعت چیست؟

امام نووی رحمه الله در کتاب (المجموع 455/3) گفته است: تفاوت زنان و مردان در نماز جماعت در موارد زیر است:

اول: آن گونه که نماز جماعت برای مردان تأکید شده است برای زنان تأکید نشده است.

دوم: امام جماعت زنان برای زنان در وسط صف می ایستد. در حدیثی آمده است: «عَنْ رَيْطَةَ الْحَنْظَلِيَّةِ قَالَتْ أَمَّتْنَا عَائِشَةَ فَقَامَتْ بَيْنَهُنَّ فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ» (سنن الدارقطنی، باب صَلَاةِ النِّسَاءِ جَمَاعَةً وَمَوْقِفِ إِمَامِهِنَّ). از ریطة حنفیه روایت است که عائشه رضی الله عنها ما را در نماز فرض امامت کرد و در میان زنان ایستاد. (امام نووی در الخلاصة فرموده: اسناد این حدیث صحیح است، إعلاء السنن، جلد ۴، ۲۴۴) و حدیث قبلی که آنحضرت فرمود: «و لا تقدمهن امرأة ولكن تقوم في وسطهن» و هنگام نماز جماعت هیچ زنی جلوی زنان دیگر نه ایستد بلکه وسط آنها در میان صف بایستد.

سوم: هرگاه يك زن خواست پشت سر مردان نماز جماعت بخواند، پشت سر مردان می ایستد، به خلاف مرد که باید در کنار مردان بایستد.

چهارم: هرگاه در نماز جماعت با مردان شرکت کردند، بهترین صف های آنان، صف های آخر است.

دلایل که در فوق بدان اشاره شده از آن بوضاحت تام حرام بودن اختلاط مردان و زنان کاملاً دانسته می شود.

خواندن نماز وتر با جماعت :

در ماه مبارک رمضان خواندن نماز شب با جماعت سنت است، چه نماز تراویح باشد که مستقیماً بعد از نماز عشاء خوانده میشود و چه نمازی که در آخر شب در ده شب اخیر رمضان خوانده میشود، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که نماز شب را در مسجد میخواند، بصورت فرادی بود، ولی کم کم اصحاب به او اقتدا کردند تا اینکه جماعت بزرگی تشکیل شد، ولی سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم از ترس اینکه نماز قیام اللیل بر امتش فرض شود آنرا بصورت جماعت ترک کرد و دوباره خودش آن نماز را ببنهایی میخواند، بنابراین عمر رضی الله عنه این اصل را هنگام خلافتش برگرداند و احیاء کرد، و مردم را که میدید متفرقه و یا گروه گروه نمازهای شبشان را بر پا میدارند به تشکیل یک جماعت فراخواند، و تشکیل این نماز جماعت در قیام اللیل در شب رمضان بود، که همان نماز تراویح باشد، بنابراین خواندن نماز تراویح در شبهای رمضان با جماعت سنت است و پیامبر صلی الله علیه و سلم به نماز شب جماعتی در رمضان تشویق کرده است بصورتیکه میفرماید: «من قام مع امامه حتى ينصرف كتب له قیام لیلۃ» (روایت ائمه سته)، یعنی: کسی که همراه امامش نماز (جماعت قیام اللیل) را بر پا کند تا اینکه امام از نماز فارغ شود، پاداش خواندن نماز تمامی شب را خواهد داشت.

ولی در غیر رمضان خواندن نماز شب بصورت جماعت سنت نیست، ولی اگر گاهی

امام و نقش آن در جامعه

بصورت جماعت بخواند ممانعتی ندارد، مثلاً کسی در خانه مهمانی داشته باشد و با او نماز شب را بصورت جماعت بخواند، زیرا از پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد نشده است که بصورت مستمر نماز شب را با جماعت بخواند، لذا برخی از علماء از قبیل ابن تیمیة رحمة الله علیه نماز شب را با جماعت بصورت مستمر بدعت میدانند و میگویند: «نماز سنت بصورت جماعت دو نوع هستند: یکی از آنها که نماز جماعتش سنت است از قبیل نماز کسوف و استسقاء (طلب باران) و قیام اللیل رمضان، و این نمازها بهتر است بصورت جماعت خوانده شوند، همانطور که در سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد شده است، و دوم، نمازهایی هستند که بصورت جماعت خواندن سنت نیست مانند نماز شب و سنتهای رواتب و نماز ضحی و تحیة مسجد و مانند اینها، و این نمازها را اگر بعضی اوقات با جماعت بخواند جائز است، ولی اگر بصورت مستمر با جماعت خوانده شوند مشروع نیست و بدعت ناپسندی است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم و صحابه و تابعین برای نمازهای رواتب با یکدیگر بصورت جماعت نمیخوانده اند، و پیامبر صلی الله علیه و سلم در برخی اوقات این نمازهای سنت را با گروه اندکی از صحابه بصورت جماعت میخواند و نماز شب را به تنهایی میخواند، ولی هنگامی که ابن عباس شب هنگام نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم بود با ایشان نماز شب را با جماعت خواند، و یک شب با حذیفه نماز جماعت خواند، و شب دیگری با ابن مسعود نماز جماعت خواند، و همچنین شبی با عتبان بن مالک انصاری نماز را بصورت جماعت خواند و همچنین با انس و مادرش و یک یتیم نماز جماعت خواندند، و عموم نمازهای سنتش بصورت فرادی میخواند (الفتاوی الکبری)

بنابراین اگر گاهیگاهی نماز شب را در غیر رمضان با دوستان و یا اشخاص دیگر مانند همسرش و یا دیگران بصورت جماعت بخواند اشکالی ندارد، ولی بصورت مستمر چنین کاری را انجام ندهد زیرا استمرار در خواندن نماز سنت بصورت جماعت از سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم نیست و صحابه و تابعین نیز چنین کاری را انجام نمیدادند.

فضیلت تکبیر الاحرام امام :

یکی از موضوعاتی مهمی که در اخیر این باب میخوام خدمت خوانندگان محترم تقدیم بدارم، فضیلت تکبیر الاحرام امام میباشد.

از جمله امور مستحب و سنت، همین است که شخص مسلمان برای ادای نماز جماعت بایدخود را به هنگام تکبیر الاحرام امام برساند. طوریکه در شرع اسلامی در فضیلت این موضوع روایت متعددی از علماء اسلامی وارد گردیده است که از جمله امام ترمذی از انس بن مالک رضي الله عنه در این مورد چنین روایت فرموده است :

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «مَنْ صَلَّى لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي جَمَاعَةٍ يُدْرِكُ التَّكْبِيرَةَ الْأُولَى ، كُنِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ : بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ التَّفَاقُ» ترمذی (241) یعنی: «هر شخصی که چهار روز نمازش را در جماعت با تکبیره الاحرام بخواند، برایش دو برائت نوشته می شود: نجات از آتش جهنم و برائت از نفاق». این حدیث بصورت موقوف از حضرت انس بن مالک رضي الله عنه روایت شده و برخی از علماء این حدیث را مرفوع دانسته اند، ولی امام ترمذی و دارقطنی گفته اند که موقوف بودن حدیث راجح

امام و نقش آن در جامعه

است، و شیخ البانی حدیث را حسن و مرفوع دانسته است.

خواننده محترم!

برخی از فضایل که از طرف سلف صالح در مورد تکبیرة الاحرام امام در نماز جماعت روایت گردیده است بشرح ذیل میباید.

1- مجاهد گفته است: شنیدم مردی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم، و او کسی بود که در غزوه ی بدر اشتراک داشت، به پسرش می گفت: آیا به نماز جماعت ما رسیدی؟

فرزندش گفت: بلی.

مرد گفت: به تکبیرة الاحرام آغازین هم رسیدی؟

پسر گفت: خیر.

پدرش گفت: اگر آنرا از دست نمی دادی، برآستی که از صد شتر سیاه چشم برایت بهتر بود. (مصنف عبد الرزاق (2021)).

2- سعید بن مسیب رحمه الله که از کبار تابعین بشمار می رود میفرماید: به مدت پنجاه سال تکبیرة الاحرام آغازین جماعت را از دست ندادم. (حلیة الأولیاء (2/163)).

3- وکیع استاد امام شافعی میفرماید: کاکاش نزدیک به هفتاد سال تکبیرة الاحرام اول (نماز جماعت) را از دست نداد، و من نزدیک به دوسال کمتر از او بودم و ندیدم که او رکعتی را از دست داده باشد. (مسند ابن الجعد (755)).

4- و از ابراهیم نخعی روایت است که گفت: هرگاه کسی را دیدی که نسبت به دریافتن تکبیرة الاحرام آغاز جماعت سستی می کند، دستت را از او بشور (یعنی خیری در او نیست). (حلیة الأولیاء (4/215)).

5- یحیی بن معین گفت: شنیدم که وکیع می گفت: کسی که تکبیرة الاحرام اول را در نیابد پس انتظار خیر آنرا نداشته باشد (شعب الإیمان للبيهقي (2652)).

ابن حجر رحمه الله گوید: «آثار منقول زیادی از سلف در مورد فضیلت دریافتن تکبیرة الاحرام وارد است». (التلخیص الحبیر (2/131)). بنابراین باید نسبت به رسیدن تکبیرة الاحرام آغازین امام در نماز جماعت حریص بود.

طریقه در یافت فضیلت تکبیر الاحرام امام :

در مورد اینکه ماموم چگونه میتواند فضیلت تکبیرة الاحرام را بدست آرد علماء در مورد میفرمایند :

اول: ماموم با حضورش در وقت گفتن تکبیرة الاحرام امام، فضیلت آنرا دریافته است و باید تکبیر ماموم بدون تاخیر بعد از تکبیر امام باشد.

دوم: ماموم فضیلت آنرا تا زمانیکه هنوز امام شروع به فاتحه نکرده دریافته است.

سوم: هرگاه ماموم قبل از اینکه امام قرائت فاتحه را بپایان برساند به وی برسد، او

فضیلت تکبیرة الاحرام را دریافته است. و این قول وکیع است چنانکه هنگامی که از او در مورد حدود تکبیرة الاولي می پرسند او جواب می دهد: «تا زمانیکه هنوز امام قرائت فاتحه را تمام نکرده است». «طبقات المحدثین» (للأصبهاني (219/3)).

چهارم: هرگاه ماموم در هنگام قیام رکعت اول به امام برسد، او فضیلت تکبیرة الاحرام را

امام و نقش آن در جامعه

دریافته است زیرا محل و وقت تکبیرة الاحرام، قیام رکعت اول است. پنجم: امام صاحب ابو حنیفه (رح) میفرماید که: ماموم فضیلت تکبیرة الاحرام را تا زمانی که امام به رکوع رکعت اول میرسد، بدست آورده میتواند. (رد المختار (131/4)، الفتاوی الهندیة (11/3)، المجموع (206/4)). از مجموع نظریات پنچگانه فوق، بنظر می رسد که قول صحیح در این مورد قول اول است، که: (ماموم با حضورش در وقت گفتن تکبیرة الاحرام امام، فضیلت آنرا دریافته است و باید تکبیر ماموم بدون تاخیر بعد از تکبیر امام باشد.) و این قول جمهور علما از جمله امام صاحب شافعی، امام صاحب حنبل نیز می باشد.

امام نووی میفرماید:

«مستحب آنست که ماموم بر رسیدن به تکبیرة الاحرام آغازین امام محافظت و تداوم داشته باشد، و چندین قول در مورد وقت دریافتن آن وارد شد است که صحیح ترین آنها آنست که ماموم شاهد و شنونده ی تکبیرة الاحرام امام در آغاز نماز باشد و او نیز بعد از وی تکبیر بگوید، چنانکه بعد از انزمان برسد دیگر فضیلت آنرا از دست داده است...». (روضه الطالبین وعمدة المفتین (1/446)).

و امام ابن رجب گوید:

«ابراهیم بن حارث از امام احمد ذکر کرده؛ کسیکه در لحظه ی تکبیرة الاحرام امام همراه او نباشد پس او فضیلت آنرا دریافته است...». و می افزاید: «وکیع گفته است: کسی که با امام خود آمین (بعد از فاتحه) را دریابد، پس او فضیلت تکبیرة الاحرام با امام را دریافته است. ولی امام احمد این گفته را رد کرده و می گوید: فضیلت تکبیرة الاحرام جز با رسیدن به تکبیرة الاحرام امام حاصل نمی شود.

و ابن مفلح رحمه الله می گوید:

«جماعتی گفته اند: فضیلت تکبیرة الاحرام اول جز با حضور در لحظه گفتن تکبیر امام حاصل نمی شود...». (الفروع لابن مفلح (1/521)).

و حجاوی گفته: «رسیدن به تکبیرة الاحرام امام فضیلت است، و این امر با حضور ماموم در هنگام تکبیر امام و گفتن تکبیر توسط او بعد از تکبیر امام حاصل می شود. «**شیخ صالح فوزان می گوید:** «فضیلت تکبیرة الاحرام جز با حضور ماموم در هنگام تکبیر امام حاصل نمی شود...» (الملخص الفقهي (1/140)).

و **شیخ ابن عثیمین میفرماید:** «سنت آنست که هرگاه امام تکبیر گفت تو نیز بعد از وی تکبیر بگویی تا فضیلت تکبیرة الاحرام را بدست آوری، چنانکه از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده که فرمود: «إذا کبر فکبروا» یعنی: هرگاه امام تکبیر گفت پس شما نیز تکبیر بگویید، حرف (فاء) در «فکبروا» بر ترتیب و تعقیب دلالت دارد، یعنی از لحظه ای که امام تکبیر می گوید و صوت او با (راء) در (الله اکبر) قطع می شود، تو نیز تکبیر بگو و نباید در آن لحظه به چیز دیگری مشغول باشی، نه دعا و نه سخن گفتن با پهلوی خود، زیرا اشتغال به این موارد در آن لحظه باعث خواهد شد تا فضیلت تکبیرة الاحرام را از دست بدهی...» (لقاء الباب المفتوح (2/192)).

امام و نقش آن در جامعه

فهرست موضوعات و مطالب مندرج :

1	امام و نقش آن در جامعه
2	تعریف امام
3	انتخاب امام
4	اوصاف لازمه امام
5	شرایط امامت
6	امامت کودک
7	امامت زن
8	جماعت مستقل زنانه
9	صفوف مردان و زنان در نماز جماعت
10	وظایف امام
11	طریقه سنت در راست کردن صفوف
12	چسپاندن بجلک پاها و راست کردن صفوف
13	فضیلت صفوف اول و صفوف سمت راست
14	پشت سر امام باید چه کس ایستاد شود
15	صفوف مردان و زنان
16	وظایف امام مربوط قرائت
17	مکث در قیام نماز
18	دعاهای وارد شده در مقام استفتاح
19	وظایف امام بعد ختم نماز
20	حکم قرائت در عقب امام
21	حکم سبقت گرفتن از امام در نماز جماعت؟
22	حکم نماز پشت امامی که قرائتش خوب نیست
23	خواندن نماز پشت امامیکه معنی آیات را تغییر دهد
24	مراعت کردن حال مقتدیان در نماز جماعت
25	متابعت از امام
26	اشکال مطابعت از امام در نماز
27	اقتدا به امام نشسته
28	اقتدای مقیم به مسافر و برعکس
29	اقتدای مسافر به مقیم
30	یادداشت تکمیلی در مورد تابعیت از امام
31	رهنمود برای قرائت امام در نماز
32	امام دائیم و امام صاحب خانه در امامت نماز پیشقدم آند
33	خواندن نماز عقب امام تلویزیون و رادیو

امام و نقش آن در جامعه

34	حکم متابعت از امام در ساختمان‌های منفصل
35	حکم امامت ماشینی
36	حکم مخالفت با امام در رفع اشتباه
37	زنان و اشتراک آنان در نماز جماعت
38	جماعت مستقل زنان
39	صفوف زنان در نماز جماعت
40	خواندن نماز زن به مطابعت از صدای امام
41	ایستاد شدن مأموم قبل از امام
42	محل ایستاده شدن اطفال در نماز جماعت
43	نماز جماعت واجب است یا سنت
44	فواید و مصالح نماز جماعت
45	فضیلت نماز جماعت در خانه یا مسجد؟
46	حکم اقامه در نماز جماعت
47	دیر رسیدن به نماز جماعت
48	ترتیب جماعت دوفری
49	برخی از تفاوت‌های نماز جماعت زنان با مردان
50	خواندن نماز وتر با جماعت
51	فضیلت تکبیر الاحرام امام

امام و نقش آن در جامعه

تتبع، نگارش و نوشته از:

امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
وداکتر صلاح الدین «سعیدی - سعید افغانی»

ادرس ارتباطی:

saidafghani@hotmail.com

در باره رساله

تعریف امام :

امام کلمه عربی و به معنای پیشوا و رهبر آمده است . پیشوا به معنای پیشرو میباشد . امام میتواند شخصی عادل باشد و هکذا میتواند شخصی غیر عادل و گمراه باشد. طوریکه قرآن عظیم الشان هر دو مفهوم را در آیات متبرکه بیان نموده است: قرآن عظیم الشان میفرماید: « و جعلنا هم ائمة یهدون بامرنا » (سوره : انبیاء آیه : 73) (ما آنها را پیشوایان هادی به امر خودمان قرار دادیم) همچنان در جای دیگر میفرماید : « ائمة یدعون الی النار » (سوره قصص آیه 41) (پیشوایانی که مردم را به سوی آتش می خوانند)
انتخاب امام :

امامت بصورت عموم وبخصوص انتخابا مام امامت در نماز در دین مقدس اسلام ومجتمع اسلامی یکی از مقام بس بزرگی وپر مسؤولیت وسترگی بشمار میرود ، وبه اصطلاح امام جانشین وقایمقامپیامبر صلی الله علیه وسلم میباشد . امامت مسجد وامامت نماز به شخصی باید تفویض گردد که از هر نگاه نسبت به همهء نماز گزارانشخص برتر ، بهتر ، عالم ، با تقوا ، ایثار گر ، فداکار ومحبوتر بوده بینش ، حکمت وبصیرت اشدر مسایل دینی وشرعی نسبت بهسایر نماز گزارانی که در آن مسجد نماز میخوانند بیشتر باشد.